

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۵/۲۵

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

سال هفتم، شماره ۲۶، تابستان ۱۳۹۲

تربیت زمینه ساز عصر ظهور؛ اصول و الزامات

سید احمد رهنمایی*

چکیده

خداوند اراده فرمود دین مبین خود را بر همه ادیان برتری بخشد، گرچه این حقیقت کافران و مشرکان را خوش نیاید. او همچنین اراده فرمود بر مستضعفان منت گذارد و آنان را وارث زمین و زمان قرار دهد، گرچه این امر بر مستکبران جهان سخت و تنگ آید. افزون بر این، سنت حتمی و تردیدناپذیر الهی بر این تعلق گرفته که با ظهور حجتش، جهان را از عدل و قسط و احسان سرشار فرماید، پس از آن که از جور و ستم و جفا مالا مال گردیده است. از آن گذشته، مشیت الهی بر این است که امور مزبور همگی به صورت عادی و از راه متعارف - و نه به طور مرموز یا اعجازگونه - تحقق یابد. بدیهی است جریان این سنت و تحقق آن مشیت در جهان، مستلزم فراهم آمدن شرایط و اوضاع و احوال مناسب و متناسبی است که فرجام خوشش فرج اسلام و مسلمانان، آن هم با ظهور سرور آفرین و بهجت افزای امام زمان علیه السلام خواهد بود. در همین راستا می توان گفت تربیت زمینه ساز بیشترین سهم را در فراهم کردن آن شرایط و اوضاع مسرتزا و سرعت بخشیدن به تحقق این فرجام شیرین بر عهده دارد. تبیین اصول و الزامات چنین تربیتی دغدغه اصلی این نوشتار است. از این رو اموری همچون مقام و منزلت آخرین پیشوای الهی انسان و جهان، عدالت جهانی، برترین ها برای برترین پیشوای عصر و جهان در دوره آخرالزمان، رسالت خطیر نجات و سعادت مندی انسان، کمال نهایی بشر، تحولات شگرف فراروی انسان و جهان در عصر ظهور، حق تقوا، حق جهاد، تربیت زمینه ساز با الهام از زیارت عاشورا و جایگاه اراده و مشیت الهی

* دانشیار و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام (مدیر گروه علوم تربیتی) rahnama@qabas.ir

در اثربخشی تربیت زمینه‌ساز، سرلوحه اندیشه و تدبیر برنامه‌ریزان، مجریان و متصدیان تربیت زمینه‌ساز قرار می‌گیرد. توجه به این امور اهمیت تربیت زمینه‌ساز را در نظر مربیان صدچندان می‌کند. از این مضامین بلند و حیاتی که به نوعی حد نصاب لازم در فرایند تربیت زمینه‌ساز به شمار می‌روند، اصول و الزامات ده‌گانه فوق، با محوریت: ۱. جایگاه امام زمان (عج) و رسالت جهانی ایشان، ۲. هنگامه ظهور و تحولات چشم‌گیر و فراگیر، ۳. مسئولیت خطیر تربیت یافتگان عصر ظهور برای ورود به عصر ظهور، به روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد اسنادی قابل استنباط و استخراج هستند.

واژگان کلیدی

اصول و الزامات و شاخص‌های تربیت زمینه‌ساز، منزلت شایسته‌ترین پیشوای انسان و جهان، برترین‌ها برای بهترین پیشوای صالحان، رسالت الهی و جهان‌شمول امام زمان (عج) عصر ظهور و تحولات آن، دولت شایستگان.

مقدمه

تربیت زمینه‌ساز عصر ظهور به مثابه بازپروری تمامی استعدادها و خلاقیت‌های افراد و جوامعی است که با اعتقاد کامل، اشتیاق فراوان، به طور هدفمند و با بصیرت کافی منتظر ظهور کامل‌ترین انسان و برجسته‌ترین پیشوای جهان در دوره آخرالزمان هستند. آخرالزمان نیز به دوره‌ای اطلاق می‌شود که بشر، پس از قرن‌های متمادی و طولانی، تجربه‌های لازم را برای کمال‌یافتگی و سعادت‌مندی کسب کرده و شایستگی خود را از همه زوایا و جنبه‌ها برای درک حضور و ولایت و زعامت آخرین پیشوای انسان و جهان که صاحب عصر است و امام زمان، احراز داشته باشد. اسلام عزیز به دورانی می‌اندیشد که شأنیت و شخصیت تربیت یافتگانش آن قدر بالا رود که لایق ظهور و شایسته همراهی و همگامی و خدمت به جوامع بشری در مقیاس جهانی باشند؛ رویدادی که تا آن زمان دنیا نمونه‌اش را به خود ندیده است.

در عصر ظهور، بناست از میان آحاد و جوامع انسانی، شیعیان - آن هم خواصی از شیعیان - همراه حضرت مهدی (عج) و در دولت ایشان فرمان‌روایان روی زمین و عالی‌رتبگان جهان باشند. بزرگی، بزرگواری، توانمندی، استعداد، شایستگی و خلاقیت، هر یک از این خواص با داشته‌های چهل نفر برابری می‌کند.^۱ از آن گذشته، چنان‌که از فرمایش امیرالمؤمنین علی (عج) :

۱. قال ابو عبد الله (عج): «یکون من شیعتنا فی دولة القائم سنام الأرض و حکامها، یعطی کل رجل منهم قوه أربعین رجلاً»

برمی آید، بناست جوانان تربیت یافته، پرهیزکار، برومند، از جان گذشته و پاک باخته امت اسلام با قوت تمام مسئولیت یاری رسانی به امام زمان علیه السلام و همراهی با ایشان را بر عهده گیرند تا به پشتیبانی آن جوانان، حضرت قیام فرماید. براین اساس، سالخوردگان در جمع یاران حضرت مهدی آن قدر اندکند که به تعبیر روایات همچون سرمه در چشم می مانند و نمک در توشه و طعام.^۱

از همین بیان توصیفی و این گزارش روایی به دست می آید که شاخص های تربیت انسان ها برای عصر ظهور چقدر باید ظریف، لطیف، راه گشا و مؤثر باشند، به گونه ای که تربیت یافتگان بتوانند از عهده مسئولیت ها و رشادت های مورد نیاز آن عصر به خوبی برآیند و گام به گام با صاحب و سالار زمان و جهان همراهی کنند. تربیت زمینه ساز باید به مثابه تربیت یک نفر برابر چهل نفر باشد تا غرض الهی از ظهور حاصل گردد و منویات خداوندی تحقق یابد. چنین تربیتی دارای اصول و الزاماتی است که بدون در نظر گرفتن آن ها نتیجه شایسته ای حاصل نخواهد گشت.

انجام رسالت خطیر تربیت زمینه ساز بیش از همه مستلزم همت متعالی مربیان و متریانی است که لحظه به لحظه خود را در انتظار و اشتیاق ظهور می بینند و درنگ و تسویف را در امر آماده سازی خویش برای ظهور جایز نمی شمردند. هرچند اینان به شمارش اندکند، اما به قابلیت ها فراوانند و کارهای بسیار مهم از آنان سر می زند. برای شکوه و عظمت اینان همین بس که با تمام وجود بناست در خدمت پیشوایی باشند که خود محور و قطب عالم است^۲ و تحقق بخش آمال و آرمان های پیامبران الهی و اوصیای ربانی آنان خواهد بود؛ همو که با ظهور و حضور نورانی و نوید بخش خود، انسان ها و جهان را به فرجام شیرینشان رهنمون خواهد شد. این نتیجه استقرار دولت کریمه اهل البیت علیهم السلام است که هرگاه خداوند اراده فرماید

شیعیان ما در دولت حضرت قائم بزرگان و فرمان روایان روی زمین هستند. هر مردی از آنان نیروی چهل مرد را داراست. (مفید، ۱۴۱۸: ۸)

قال علی بن الحسین علیه السلام: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ وَ جَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ وَ جَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ يَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَنَامُهَا؛ هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند هر درد و رنجی را از شیعیان ما بزدايد و دل هایشان را همچون آهن تفتیده قرار دهد و نیروی هر مردی از آنان را برابر چهل مرد گرداند. شیعیان در آن زمان فرمان روایان و بزرگان روی زمین هستند.» (صدوق، ۱۳۶۲: ج ۲، ۵۴۱)

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ شَبَابٌ لَا كُهُولَ فِيهِمْ إِلَّا كَالْخُلُفِ فِي الْعَيْنِ أَوْ كَالْمِلْحِ فِي الرَّادِّ وَ أَقَلُّ الرِّادِّ الْمِلْحُ؛ یاران حضرت قائم جوانانند و کهنسالان در جمع آنان نیستند، مگر به میزان سرمه در چشم و نمک در توشه، و البته کمترین توشه نمک است.» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۱۵)

۲. «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُطْبَ الْعَالَمِ.» (قمی، بی تا: زیارت نامه حضرت مهدی علیه السلام)

و مشیتش بدان تعلق گیرد، آن دولت را ظاهر خواهد ساخت.^۱

منظور از اصول و الزامات در این مقال، بایدهایی مستند به واقعیات و حقایق مرتبط با عصر ظهور و سازگار با روح حاکم بر آن عصر درخشان الهی است. واقعیات و حقایق مزبور منشأ انتزاع و استنباط و صدور و انشای اصول و الزامات تربیتی متناسب با آن هنگامه عظیم به شمار می‌روند. به عبارتی، اصول و الزامات تربیت زمینه‌ساز در این نوشتار سلسله‌ای از بایدهای برجسته اخلاقی - رفتاری و فرهنگی - ارزشی است که در روند تربیت زمینه‌ساز از نقش بسیار برجسته‌ای برخوردارند. امام‌محموری، عدالت‌منشی، نجات‌اندیشی، سعادت‌طلبی، کمال‌انگاری، تحول‌مداری، عاشوراگرایی و... از جمله اصول و الزاماتی هستند که مربیان این عرصه در گام نخست پیش از هر کس و پیش از هر اندیشه و اقدامی باید به آن‌ها اذعان کنند تا بتوانند فراگیران را به تناسب و اقتضای آن‌ها تربیت کنند. برای استخراج و استنباط هریک از این اصول و الزامات کافی است به واقعیات‌های حتمی‌الوقوع و تردیدناپذیری اشاره کرد که فلسفه انتظار فرج را تعریف و تبیین می‌نمایند و عصر و دوران ظهور را سرآمد همه عصرها و دوران‌ها می‌سازند. مربیان و متربیان تربیت زمینه‌ساز باید در همین راستا به اصول و الزامات ده‌گانه‌ای که شرحش در ادامه می‌آید توجهی ویژه مبذول دارند.

۱. تربیت بر محور مهدویت و وجود امام زمان علیه السلام، برجسته‌ترین شاخص تربیت زمینه‌ساز

نگاه به مقام والای پیشوایی که برای او وجود خود را تربیت می‌کنیم و به یمن قدوم او دل و جان را آباد و مهیا می‌سازیم، با عنایت به برترین‌هایی که برای وی و ظهور مبارکش در نظر گرفته می‌شود بسیار شوق‌برانگیز است. اولیا و مربیان از رهگذر عشق و علاقه وافر که نسبت به امام خویش در وجود خود احساس می‌کنند فرزندان و فراگیران خویش را به پاس داشت حریم عشق و ولایت او تربیت می‌نمایند. با وجود چنین رهبر و پیشوای عظیم‌الشأنی که بر قلعه رفیع ولایت و هدایت خلق تکیه زده است، باید بر خود بالید و به ولایت‌مداری خویش مباحثات کرد که به شکرانه الهی به پای چنین پیشوایی و برای چنین مقامی می‌خواهیم پرورانده شویم و بی‌پروا کنیم.^۲

۱. قال الصادق علیه السلام: «إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيءُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ.» (مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۵۲، ۱۴۰)

۲. برای مطالعه درباره ابعاد شخصی و شخصیتی امام زمان علیه السلام نک: طبرسی نوری، ۱۴۱۵؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۲۱؛ طاهری، ۱۳۸۰؛ مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۵۳.

نگاه ما به امام خویش در تربیت زمینه ساز به افق های ویژه ای دوحته می شود و مطالعه ما در این زمینه از زوایای گوناگونی چون آفاق دوگانه انسانی و ربانی یا ملکی و ملکوتی یا زمینی و آسمانی امام صورت می پذیرد. در افق انسانی یا ملکی و زمینی امام، باید به عواملی چون عوامل متعارف انسانی در محیط جسمانی و روانی و روحانی امام، غیبت و ظهور امام، آمال و آرزوهای امام، نیازمندی های امام، سبک زندگی و معیشت روزمره امام و سایر امور شخصی و شخصیتی که به ساحت انسانی امام مربوط می شود توجه کرد. در افق ربانی یا ملکوتی و آسمانی امام باید به عواملی چون سامان دهی امر فرج امام و تقدیر امور ایشان به مشیت و اراده الهی، امام و بندگی خداوند، امام و خلافت الهی ایشان^۱، امام و امدادهای غیبی شامل حال ایشان، نقش فرشتگان و روح القدس در محافظت و حراست و تأیید آن حضرت، امام و رفع هر گونه سلطه و اقتدار از ناحیه هر کسی و از جانب هر عاملی بر ایشان، امام و دریافت اذن خداوند بر جهاد با کفار و منافقین، و سرانجام، امام و تحقق منویات الهی و شکوفایی آرمان های پیامبران و صدیقین و شهدا و صالحان به دست با برکت و با کفایت ایشان و اموری از این دست توجه کرد.^۲

به امامی می اندیشیم که از جمله عزیزترین عزیزان خداست؛ به سوی خداوند دعوت می کند و با تمام وجودش مظهر و تجلی صفات کمال و جمال الهی است؛ گفتارش روایت آیات حکمت و عظمت و رحمت و رحمانیت و رحیمیت خداوندی است و بیانش ترجمان قدس و معنویت و صلابت و ایمان ربانی است.^۳ به امامی می نگریم که در فصل ظهور نورانی اش بر کل

۱. برای درک بهتر نسبت به حقیقت خلافت الهی، نک: جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۰۶ - ۱۰۷.

۲. «اللهم أصلح عبدك و خليفتك بما أصلحت به أنبيائك و رسلك و حقّه بملائكتك و أئده بروح القدس من عندك و اجعله من بين يديه و من خلفه رصداً يحفظونه من كل سوء و أبدله من بعد خوفه أمناً يعبدك لا يشرك بك شيئاً و لا تجعل لأحد من خلقك على وليك سلطاناً و أذن له في جهاد عدوك و عدوه و اجعلني من أنصاره أنك على كل شيء قدير؛ بارالها امر فرج بنده و خليفه خود را به سامان برسان، به همان تدبیری که امر پیامبران و فرستادگانت را به سامان رساندی؛ و او را با فرشتگانت در بر بگیر و به روح القدس خویش او را مؤید فرما؛ و از پیش رو و پشت سرش حفاظی ایجاد کن که او را از هر ناخوشایندی محافظت کنند؛ و پس از هراس و نگرانی اش او را آرامش ده؛ او تو را می پرستد و به تو شرک نمی ورزد؛ و خداوند، هیچ یک از بندگان را بر او مستولی نفرما؛ و فرمان جهاد با دشمن خود و دشمنش را برای او صادر کن؛ و مرا از یاران او قرار ده که تو بر هر چیزی توانایی.» (ابن طاووس، ۱۳۶۱: ۲۵۶؛ طوسی، ۱۴۱۸: ۳۶۶؛ مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۸۶، ۲۵۱)

روایت شده است امام رضا علیه السلام این دعای فرج را در قنوت نماز جمعه می خواند و به شیعیان نیز سفارش می فرمود این دعا را در قنوت نماز جمعه بخوانند. این دعا مشتمل بر مضامین و حقایق بسیار بالایی است که بیان گرشان و منزلت امام زمان علیه السلام در پیشگاه خداوند و الطاف و عنایات خاص خداوند در حق ایشان است. به بخشی از این امور در متن بالا اشاره شده است.

۳. «السلام عليك يا داعي الله و رباني آياته، ... السلام عليك يا تالي كتاب الله و ترجمانه.» (قمی، بی تا: زیارت آل یس)

هستی ولایت دارد؛ جهان سراسر ظلم و جنایت را سرشار از عدل و داد می‌فرماید و به فرمان خداوند و به اذن او بر تمام جهان به عدالت تمام فرمان می‌راند.^۱ امام ما کسی است که تمامی انبیا و اوصیا و اولیا به وجود نازنینش بر خود می‌بالند و انتظار فرجش را بهترین و بافضیلت‌ترین اعمال^۲ در پیشگاه خداوند می‌دانند و خدمت در رکابش را آرزوی دیرینه خود برمی‌شمارند.^۳ رهبر و پیشوای ما در هر زمان و مکان، در فصل غیبت و به هنگام ظهور و پس از آن شخصیت والاتباری است که بزرگواری چون پیامبر برگزیده خداوند، حضرت عیسی بن مریم علیه السلام با مباهات تمام در نماز به او اقتدا و در جهاد مقدس او را همراهی می‌کند.

امام ما با داشتن چنین مقاماتی - که بخش ناچیزی از عظمت بی‌منتهای اوست - به اذن خداوند بر زنده کردن مردگان به خصوص مردگان روح و روان و درمان و شفای کران و کوران و لالان و معلولان به ویژه کران و کوران و لالان روحی و روانی تواناست. همو به اذن خداوند می‌تواند انواع و اقسام بیماری‌های ظاهری و باطنی را شفا بخشد و کوردلان را بینادل و ناهشیاران را هشیار و خفتگان را بیدار، ناهلان را اهل و بی‌خردان را خردمند، مسلمانان را اهل ایمان و مؤمنان را روشن ضمیر و قوی دل فرماید. به امامی مباهات می‌کنیم که به عیار وجودش، ناشایستگان عیار شایستگی، ناپهنگاران عیار هنجاری، کوردلان عیار بصیرت، بی‌خدایان عیار خدایی، ناراستان عیار راستی، ضعیفان عیار توانمندی و مستضعفان عیار سروری می‌یابند.

اکنون پرسش اصلی این جاست که به پاس مقدم چنین امام همایی چگونه پیروانیم و پیروانده شویم؟ به نظر می‌رسد باید منتهای شایستگی‌ها را به کار گرفت تا شاید بتوان بخشی از حق آن بزرگوار را ادا نمود. به برکت چنین پیشوای راستینی باید از ناخالصی‌ها و کجی‌ها و هرگونه انحراف ریز یا درشتی مبرا شد، تا نشان لیاقت خدمت به دربارش را به دست آورد. از این رو، باید به تربیت کامل‌تر و کارآمدتر اندیشید و از جنبه ثبوتی و اثباتی شایستگی‌های لازم را دارا شد. برای تحقق این مهم باید به قله اندیشید؛ جایگاه رفیعی که برای امام در نظر گرفته

۱. قال الحسين بن علي عليه السلام: «لَوْ لَمْ يَتَّقِ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمَ وَاحِدٍ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي فَيَمْلَأُهَا عَذْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا؛ چنان‌چه از عمر دنیا یک روز بیش نمانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می‌فرماید تا مردی از فرزندانم ظهور کند و دنیا را سرشار از عدل و قسط فرماید، پس از آن‌که از جور و ستم پر شده است.» (صدوق، ۱۳۹۶ - ج: ۱، ۴۳۴-۴۳۵)

۲. قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «أَفْضَلُ أَعْمَالٍ أَمِّيَ انْتِظَارُ الْفَرَجِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.» (مجلسی، ۱۴۱۷: ج: ۲۱، ۱۲۸)

۳. قال الباقر عليه السلام: «إِنْ أَدْرَكْتُ الْقَائِمَ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ نَصَرْتُهُ.» (همو: ج: ۵۲، ۱۲۶)

قال الصادق عليه السلام: «لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيْامَ حَيَاتِي.» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۴۵)

جهان طبیعت میان انسان‌هاست، به گونه‌ای که هر ذی‌حقی به حق مسلم خود برسد و هر مستحقی آن‌چه را شایسته و نیازمند است دریافت نماید. همهٔ آحاد انسانی باید به اندازهٔ ظرف وجودی خود دارای روحیهٔ عدالت و عدل‌پروری گردند.

در حقیقت، عدالت یک حالت و وصف درونی است پیش از آن‌که اقدامی بیرونی به شمار رود. شخص عادل کسی است که به ملکهٔ عدالت دست یافته است، خواه فرصت و امکان عمل به عدالت و رفتار عادلانه را پیدا کند، خواه چنین فرصت و امکانی را به دست نیاورد. هرچه باشد، عدالت وصف درونی اوست که همیشه و در هر شرایط و احوالی آن را دارد و به وقت خود از آن استفاده می‌کند و به دیگران بهره می‌رساند. این در حالی است که قسط و قیام به قسط، رسالت کسانی است که علاوه بر شایستگی‌های لازم در برخورداری از ملکهٔ عدالت، از نعمت قدرت بر تصمیم‌گیری و توانایی بر اجرای عدالت و قیام به قسط نیز برخوردار هستند. در واقع، بهره‌مندی از همان روحیهٔ عدالت و عدل‌پروری است که زمینه‌ساز تحقق قسط میان انسان‌ها می‌گردد. به بیانی، عدل و روحیهٔ عدالت‌پروری جنبهٔ ثبوتی قیام به قسط است، در حالی که قسط و برپایی قسط، جنبهٔ اثباتی عدالت به شمار می‌رود. تا عدالتی در وجود انسان‌ها مفهوم و ارزش نیابد، قسطی بر روی زمین متحقق نمی‌شود و برپایی قسط و قیام به قسط بی‌جاست و تا قیام به قسط در جهان به ظهور نرسد، مفهوم و ارزش عدالت تجلی نمی‌یابد. به تعبیری دیگر، قسط برون‌سازی همان روح عدالت‌پروری است که هر انسانی باید از آن برخوردار باشد تا این برون‌سازی مفهوم و ارزش پیدا کند. آن خصلت ممتاز و برجستهٔ عدل و اعتدال و تعادل درونی است که به قیام به قسط و برپایی آن می‌انجامد. در نگاه تمثیلی، عدالت به مثابهٔ روغن سوخت و روشنایی چراغ است و قسط به مثابهٔ فتیله‌ای که از این روغن ذخیره می‌گیرد و روشنایی می‌بخشد و گرمی و حرارت می‌دهد.^۱

۱. تفاوت بین عدل و قسط چیست؟ برای شناخت معانی واژگان زبان عرب باید به فرهنگ لغت همان زبان مراجعه کرد، اما چنان‌چه واژهٔ مورد نظر در قرآن و روایات نیز کاربرد فراوانی پیدا کرده باشد، ضروری است موارد به کار رفتن در این منابع نیز بررسی شود تا ابعاد دقیق‌تر مسئله را بتوان دریافت. دو واژهٔ «عدل» و «قسط» نیز با همین شیوه مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته و اینک نتیجهٔ مطالعات صورت گرفته تقدیم می‌گردد:

الف) عدل:

۱. **تعریف عدل:** حالتی است بین افراط و تفریط، به گونه‌ای که در این حد وسط زیادت یا نقصانی قرار نداشته و اعتدال کامل مراعات شده و به سبب همین مفهوم است که از میانه‌روی، مساوات، سازوکاری و استقامت به «عدل» تعبیر گردیده (مصطفوی، ۱۳۶۰: ج ۸، ۵۵).

۲. **گونه‌شناسی عدل:** در قرآن و روایات از واژهٔ «عدل» به تعدد یاد شده و از موارد گوناگون به کار رفتن آن می‌توان انواع «عدل» را شناسایی کرد:

اکنون با توجه به مفهوم و برداشتی که از قسط و عدالت به دست آمد، به روشنی پیداست که تربیت زمینه‌ساز تا چه اندازه باید در راستای پرورش روح عدالت و ایجاد ملکه عدل در نهاد نسل عصر ظهور گام بردارد. معنای بسنده کردن به کمتر از حد نصاب عدالت، مرگ قسط و عدالت است و در نتیجه به نقض غرض از ظهور منجی عالم بشریت می‌انجامد. چنانچه مربیان در این راستا موفق نباشند، زمینه‌ای برای قیام به قسط و برپایی آن در سطح جهانی و در میان آحاد انسانی فراهم نخواهد شد. بدیهی است در این صورت هنوز ظهوری تحقق نیافته، غرض ظهور مخدوش می‌گردد.

پیشوای عادل به منظور ایجاد روحیه عدالت و اجرای همه‌جانبه قسط در میان

عدالت در اندیشه و حکم: چندان که از انحراف، ضعف یا شدت به دور باشد (نساء: ۵۸).
عدالت در روایات و صفات نفسانی: چندان که اخلاق باطنی اش نه چنان کم‌مایه باشد و نه آن چنان پرمایه که موجب مشکل گردد (مائده: ۱۰۶).

عدالت در اعمال: فقط بر محور حق است، همانند آن چه در آیات قرآن از آن یاد شده است (نک: مائده: ۱۱۵ و ۱۵۲؛ نساء: ۳؛ شوری: ۱۵).

۳. ویژگی واژه عدل: گذشته از آن که عدل، حالت بین افراط و تفریط تعریف شده، دارای نکته و ویژگی خاصی است. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از آن چنین تعبیر نموده: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا؛ عدل، هر چیز را به جای خود قرار می‌دهد» (شریف رضی، ۱۴۱۵: حکمت ۴۳۷).

یعنی: نتیجه و هدف عدل و شاخصه اصلی آن این است که هر چیز در جای خود قرار گیرد و هر کس بدان چه شایسته است برسد. در این مفهوم، هر موجود به آن چه استحقاق و لیاقت داشته نایل گردیده و اگر لیاقت یک موقعیت و حالت برتر را نداشته باشد، هرگز آن رتبه به او داده نمی‌شود؛ همچنان که ممکن است به موجودی (مثل ائمه اطهار علیهم السلام) عنایاتی شود که به دیگران این مقدار فضل نگردد و این توجه خاص، منوط به لیاقت، شأن و آمادگی برتر آن موجود است. ره‌آورد چنین ویژگی آن است که عدل بر سه نوع است:

یکم. عدل در آفرینش: خداوند هر استعدادی را که شایستگی ایجاد بود را خلق فرموده و مثلاً آدم را آدم آفرید چون لیاقت همین را داشت و سنگ را سنگ آفرید چون برابر با قابلیتش است.

دوم. عدل در قانون‌گذاری: خداوند در تکالیف به طاقت انسان نظر فرموده و دستوری فراتر از ظرفیت به او نداده است. سوم. عدل در جزاء: خداوند بین اصلاح‌گر و مفسد مساوات برقرار نکرده و قانون «هر چه بکاری همان بدروی» را اجرا می‌کند.

ب) قسط:

۱. تعریف قسط: این کلمه از آن جهت که در بردارنده مفهوم «اعتدال و حفظ از انحراف و افراط و تفریط» است با عدل هم‌معناست؛ اما یکی از تفاوت‌هایش با عدل آن است که «قسط» جنبه تطبیق مفهوم عدالت و اجرای آن در مصادیق و مواردش را دارد و وقتی «عدل» بخواهد تحقق و بروز داشته باشد از آن به «قسط» تعبیر می‌گردد. شاهد این تفاوت، آیه نهم از سوره حجرات است که دو واژه عدل و قسط در کنار هم آمده و طبیعتاً باید این دو، متفاوت باشند.

۲. تفاوت‌های مفهومی و مصداقی عدل و قسط:

یکم. قسط، اجرا و تحقق عدل است و پیامدش نیز تطبیق عدل بر موارد و جایگاه‌های خارجی آن است. دوم. قسط، عدلی است که ظهور یافته و محسوس شده و از همین روست که ترازو کردن اشیا را قسط می‌گویند؛ چون عدل و تعادل را به صورت آشکارا نمایش می‌دهد (عسکری، ۱۳۸۹: ۴۲۸).

منبع: نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها؛ پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز جهانی آل‌البیت علیهم السلام

جوامع بشری نیازمند کارگزاران و کارفرمایان و کاربران عادل است که درست به مفاد دستور و احکام او در راستای تحقق عدالت فراگیر و همگانی و قسط همه جانبه و همه جایی قیام می کنند. از آن گذشته، قسط و عدالت تنها از راه الگوبرداری و فرمان برداری صرف از دیگران حاصل نمی گردد. قسط و عدالت خصلت و توانی است که فرد عادل قائم به قسط خود باید به حد کمال و تمام از آن دو بهره مند باشد تا بتواند برای تحقق آن ها میان انسان ها اقدام کند.

برخی از صفات شخصیتی را چه بسا بتوان از راه یادگیری و الگوبرداری از صاحبانش فراگرفت و به کار بست، هرچند در وجود و درون خود فرد نهادینه نگردیده باشند. مهارت هایی نظیر سخنوری، نویسندگی، هنرپیشگی، رسم و نقاشی، بافندگی و... از جمله امور تجربی هستند که با نگاه به صاحبان و برخوردارانش می توان از آنان فراگرفت، الگوبرداری کرد و به کار بست. اما صفاتی چون نظم، ایمان، تقوا، صبر، شکر، توکل، بردباری و عدالت، از جمله اموری درونی هستند که تنها با نگاه به دارنگانش یا با الگوبرداری از احوال و رفتار آنان نمی توان به کار بست، مادام که این صفات در وجود شخص نهادینه نگردیده باشند. این دسته از صفات حتماً باید ملکه فرد شوند تا در روح و روان جامعه نفوذ یافته، زمینه پیاده سازی در سطوح گوناگون را پیدا کنند. بدین بیان، تربیت برای قسط و عدالت، اسباب و وسایل و ساز و کارهای خاص خود را دارد و البته نیازمند حضور مربیان متخصص و چیره دستی است که خود ارزش قسط و عدالت را یافته اند و به احکام و الزامات قسط و عدالت پایبندند.

۳. برترین ها برای شایسته ترین پیشوای عصر جهان در دوره آخرالزمان

در تربیت مهدوی، شاخص تربیت قله رفیعی است که تنها و تنها توسط امام زمان علیه السلام فتح گردیده است و کسی دیگر را جز ایشان یارای چنین ظفرمندی نیست. در قلمرو این تربیت، توجه مربیان و فراگیران بیش از هر عاملی به وجود امامی است که با تمام ابهت و صلابت و درخشندگی و شایستگی بر مسند حاکمیت جهانی تکیه زده است و هیچ کسی را یارای گردن افرازی در برابر او نیست؛ پیشوای با شرافت و شایسته ای که هر انسان شرافتمندی در پیشگاه با عظمت او خواسته یا ناخواسته، دانسته یا ندانسته خاضع و تسلیم عظمت و شرافت و منزلت و آقایی و بزرگواری اوست.^۱

۱. «وَبَخَعَ كُلُّ شَرِيفٍ لِشَرَفِكُمْ». (قمی، بی تا: زیارت جامعه کبیره)

صاحب عصر و زمان و امام جن و انسان در دوره آخرالزمان قدرتمندترین و در عین حال مهربان ترین، داناترین و با این وجود بردبارترین، داراترین و با این وصف بخشنده ترین، بلندمرتبه ترین، ولی مردمی ترین پیشوایی است که جهان به خود دیده و شنیده است. او عادل ترین، حکیم ترین، پرهیزکارترین، بابصیرت ترین، شکوهمندترین، متخصص ترین، باعظمت ترین، بزرگواری ترین، خوش خلق ترین و دلسوزترین فرمان فرما و فرمان روایی است که نمونه اش را به جز در وجود سایر معصومان علیهم السلام در وجود احدی از بهترین های جهان نمی توان یافت. دولت و سلطنت او نیز بدین منوال از پاینده ترین، استوارترین، مقتدرترین، ارجمندترین، شکست ناپذیرترین، آسیب ناپذیرترین، جهانی ترین، پراوازه ترین، بااُبَهِت ترین، دوست داشتنی ترین، آرام بخش ترین، آسایش دهنده ترین و مردم سالارترین دولت و سلطنتی است که از آغاز آفرینش تا فرجام آن می شود مشاهده کرد. کشور و کیان و مملکت او گسترده ترین، پهناورترین، آبادترین، برخوردارترین، امن ترین، مرفه ترین، زیباترین، دانش پرورترین و عالم خیزترین کشور و کیان و مملکتی است که تا آن زمان در سطح جهان به منصف ظهور رسیده است. امت او داناترین، خردمندترین، بردبارترین، خوش خوترین، هشیارترین، روشن ترین، ماهرترین، فعال ترین، قوی ترین، فرمان بردارترین، مؤدب ترین، متدین ترین، وفادارترین، امین ترین و معتدل ترین امتی است که گواه همه امت ها بوده و تاریخ جوامع و امم انتظار آن را می کشیده است.^۱ کارگزاران دولت او بانشاط ترین، بشاش ترین، خوش خلق ترین، خوش برخوردترین، کارگشای ترین، گره گشای ترین، امانت دارترین، وقت شناس ترین، وظیفه شناس ترین، کارآمدترین، همراه ترین، قانع ترین و خدمت گزارترین عوامل و نیروهایی هستند که می توانند الگو و سرمشق همه دولت ها و کارگزاران دولتی قرار گیرند. در یک کلام، اهل ایمان با انتظار فرج، ظهور دولتی را آرزو می کنند که ارجمند و باشکوه و شکست ناپذیر است؛ دولتی که عزت بخش اسلام و مسلمانان و ذلت بخش نفاق و منافقان است. مؤمنان به انتظار دولتی نشسته اند که به برکت ظهورش و با افتخار تمام، در سایه لوای آن مردم را به جانب خداوند و فرمان برداری از او فرا بخوانند و به راه درست خدا راهبری شان کنند. چنین دولت کریمه و حقی به مرحمت الهی کرامت و سعادت دنیا و آخرت را روزی اهل ایمان

۱. امام باقر علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَّعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَيْنَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ؛ آن گاه که قائم ما قیام فرماید دست مبارک خویش بر سر بندگان خداوند قرار می دهد، پس عقولشان به حد اعلامی رسد و بردباری شان به حد کمال.» (کلینی، ۱۴۰۱: ج ۱، ۲۵)

خواهد ساخت.^۱

برترین‌هایی که گفته شد، در واقع رهین رشد و کمالات علمی دوران ظهور در سطوح متعالی تربیت، اخلاق، ادب، معرفت و دانش و فناوری است. به بیانی دیگر، تمامی پیشرفت‌هایی که در جوامع بشری در سطح کلان جهانی تا پیش از ظهور حضرت روی خواهد داد مستند به رشد و تعالی و تکامل بشر در همه موارد فوق است. این در صورتی است که تا پیش از ظهور امام زمان (عج) انسان‌ها تنها به دو بخش از شعبه‌های بیست و هفت‌گانه دانش دست یازیده‌اند. هنگامی که امام زمان ظهور فرماید، همه بیست و هفت جزء دانش از مکتب ایشان و به دست با کفایت آن بزرگوار در سطح جهان و میان انسان‌ها انتشار خواهند یافت و به خدمت گرفته خواهند شد.^۲

اکنون با توجه به همه برترین‌ها و توصیفاتی که یادآور شدیم، باید دید چگونه تربیت شویم و تربیت کنیم تا در مسیر برخورداری از این برترین‌ها، شایسته این برترین‌ها شویم، یا دست‌کم به آن‌ها نزدیک گردیده، با آن‌ها هم‌مرز باشیم؟! تربیتی زمینه‌ساز ظهور است که در نگاه نخست این برترین‌ها و بالاترین‌ها را در افق دید خود داشته باشد. تحقق و تجلی همه این برترین‌ها باید چشم‌انداز روشن تربیت مهدوی باشد تا مربیان، آنی از نگاه به آن چشم برندارند و لحظه‌ای از حرکت در سمت و سوی آن دیده برنتابند. اما این که چنین تربیتی نیازمند چه تدابیر و ساز و کارهایی است مبحث درخور توجهی است که نمی‌توان از آن غافل ماند. با این وجود، مهم‌تر از آن پی‌گیری پاسخی است که پرسش است که مربیان و متصدیان چنین تربیت زمینه‌سازی چه کسانی هستند و دارای چه ویژگی‌ها، برجستگی‌ها و امتیازاتی باید باشند؟

از آن گذشته، نیازمند این هستیم بدانیم چه کسانی را با چه ویژگی‌های ذاتی و شخصیتی و فطری و طبیعی می‌توان به تربیت مهدوی آراست تا به طور پویا و پایدار به مفاد و ملزومات

۱. «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعْرِضُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا الْبُغَاةَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.» (همو: ج ۳، ۴۲۴؛ قمی، بی تا: دعای افتتاح)

۲. امام جعفر صادق (ع) فرمود: «الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عَشْرُونَ جُزْءًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ جُزْءٌ مِنْهَا فَلَمْ يَغْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْجُزْءَيْنِ (الحرفین) فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَ الْعِشْرِينَ جُزْءًا (حرفاً) فَبَيَّنَّهَا فِي النَّاسِ وَ صَمَّ إِلَيْهَا الْجُزْءَيْنِ (الحرفین) حَتَّى يَبَيَّنَّهَا سَبْعَةٌ وَ عَشْرِينَ جُزْءًا (حرفاً)؛ دانش بیست و هفت جزء (حرف) است که تمام آن چه را پیامبران [برای بشر تا وقت ظهور به ارمغان] آورده‌اند دو جزء (دو حرف) است. بنابراین، مردم تا فرا رسیدن روز موعود به غیر از این دو جزء (دو حرف) معرفت دیگری به چنگ نخواهند آورد. اما آن‌گاه که قائم قیام فرماید بیست و پنج جزء (حرف) دیگر را ارائه خواهد داد و در میان مردم منتشر خواهد ساخت و آن دو جزء پیشین را به آن‌ها ضمیمه خواهد کرد تا همه بیست و هفت جزء (حرف) منتشر گردد.» (راوندی، ۱۴۰۹؛ ج ۲، ۸۴۱؛ مجلسی، ۱۴۱۷؛ ج ۵۲، ۳۳۶)

آن تا زمان ظهور و پس از آن تا آخرین لحظه حیات خود در عصر ظهور پایبند و متعهد بمانند. آیا این مسئله‌ای است که می‌توان به سادگی از کنار آن گذشت و به آسانی آن را نادیده انگاشت و بدون ایجاد سامانه‌ای مطمئن و نویدبخش نسبت به آن غفلت ورزید؟ آیا اگر چنین مسئولیت و رسالت عظیم و خطیری بر عهده غرب و نامسلمانان گذاشته شده بود، آنان بی‌خیال می‌شدند و به حال خود رها می‌ساختند؟ اهل ایمان چه باید کنند که بی‌خیال این مسئله نشوند و بی‌امان و بی‌درنگ درصدد کشف راهبردها و راهکارهای تربیت کارآمدی برآیند که به خوبی زمینه‌ساز ظهور آن رسالت خطیر و سهمگین و آن دولت فاخر و ممتاز باشد؟ می‌بینید اکنون که سیاستمداران و کارگزاران فرهنگ و سیاست غرب چنین ایمانی ندارند، چگونه با هزاران ترفند و شیطننت، از جمله از راه تولید فیلم و سریال تلاش می‌کنند دگرترین نجات و آخرالزمان و حتی مهدویت را به نفع سیاست و اغراض شیطنانی خود مصادره نمایند.^۱ رسانه‌های اطلاعاتی به‌ویژه فضای سایبر^۲ شبانه‌روز در خدمت اهداف و اغراض شوم و ننگین کارگاه‌های سیاست‌پرداز غربی قرار دارند؛ چه بسا شاهد بسیاری از بی‌حرمتی‌های سایبریک در حق ارزش‌ها و مقدسات مهدوی بوده و هستیم. آیا می‌توان در برابر این همه حجمه‌های رنگارنگ ساکت ماند و از شرافت و حیثیت امام زمان و آیین نجات مهدوی دفاع نمود و از حریم مهدویت پاسداری نکرد؟ مگر نه این است که امت اسلام به‌ویژه شیعیان در زمینه‌سازی برای ظهور از هر ملت و ملیتی شایسته‌ترند؟ چه جمعیت و مردمی سزاوارتر از شیعیان باید در مسیر زمینه‌سازی و هرچه نزدیک‌ترسازی ظهورگام بردارند؟ تصدی این امر عظیم هم حق شیعیان است و هم تکلیف آنان. شیعه باید هم برای احقاق این حق الهی تلاش کند و هم حق چنین تکلیف سترگی را خوب ادا نماید.

از میان همه اقدامات خوب و مناسبی که باید در مسیر تربیت زمینه‌ساز عهده‌دار شد و مسئولیت آن را برای خدا و جلب رضای الهی پذیرفت و لوازمش را به جان خرید، بیش از همه رسالت خطیر تربیت زمینه‌ساز جلوه‌گری می‌کند. تربیت زمینه‌ساز در واقع تربیت در راستای ظهور شایسته‌ترین منجی عالم و تحقق بخشیدن به آرمان‌های مقدس و مبارک مهدوی است.

۱. تنها هالیود در امریکا تاکنون بیش از ده فیلم در این راستا تولید کرده و به نمایش گذاشته است. به عنوان نمونه می‌توان به فیلم‌های «ماتریکس»، «آمگا ۲ (مگیدو)»، «هری پاتر»، «صهیون»، «پسر جهنمی»، «آرماگدون»، «روز استقلال» و نیز بازی رایانه‌ای «یا مهدی» با نام اصلی «جهنم خلیج فارس» اشاره کرد. فیلم «تا پایان جهان» تولید مشترک کشورهای آلمان، فرانسه و استرالیا نیز به مضامین مرتبط با آخرالزمان پرداخته است.

2. cyber-space

۴. نجات‌اندیشی و سعادت‌طلبی؛ جایگاه رسالت‌خطر نجات و سعادت‌مندی انسان در تربیت‌زمینه‌ساز

تربیت‌یافتگان به تربیت‌مهدوی باید به چه چیزی جز به نجات جهان و انسان از شر کفر و گمراهی و شقاوت بیندیشند؟ آیا هرکسی را یارای اندیشیدن در این جایگاه است؟ بی‌گمان این رسالت‌بی‌اندازه مهم و حیاتی نیازمند عنایات خداوندی است؛ عنایاتی که به صورت آشکار و نهان، باید مبذول شود تا جوامع انسانی را از فضیلت خاص و توفیق مخصوص همراهی و همگامی با امام و پیشوایشان بهره‌مند گرداند. انسان عصر ظهور نه تنها برای نیل به سعادت خود تلاش می‌کند، بلکه نسبت به سعادت دیگران نیز به شدت حساس است. او می‌داند که سعادت هر فردی از امت‌مهدوی به سعادت سایر افراد وابسته است و از این رو در آن فضای نورانی یک نفر هم نباید مسیر شقاوت را بپیماید. هر کسی می‌کوشد برای اصلاح خود و دیگران گام‌های جدی و مستحکمی بردارد.

در عصر ظهور آحاد مردم هرگز از یکدیگر غافل نمی‌مانند و نسبت به درد و رنج همدیگر حساس هستند و یار و غم‌خوار یکدیگرند. در آن جامعه ایثار، مواسات، وفاداری، شفقت، مهر، محبت، مودت، یک‌رنگی، صفا، صمیمیت، چاره‌درد بیچارگان کردن، همه و همه فلسفه خود را بازمی‌یابند و در اندیشه، خیال، رفتار، منش و خلق و خوی افراد موج می‌زنند. این‌ها همه به برکت رسالت‌بزرگی است که مؤمنان عصر ظهور در مسیر تأمین سعادت خود و دیگران بردوش خویش احساس می‌کنند.

اهتمام به رسالت‌نجات و سعادت آخرالزمانی ایجاب می‌کند هر کسی مسئولیت تربیت و سازندگی خود را بر عهده گیرد و به سختی تمام بکوشد لحظه‌ای از امر خطر تربیت خویش غافل نماند و در این راستا هرگز قصور نرزد. این رسالت به قدری مهم و معتبر است که تقریباً همه مکاتب و مذاهبی که در طول تاریخ تا این زمان به ظهور رسیده‌اند ادعا می‌کنند رسالتشان نجات انسان‌هاست. این مسئله آن‌چنان بارز و اعتبارآفرین است که می‌بینیم دولت امریکا ملت‌های عراق، افغانستان، سوریه و سایر کشورها و جوامع را مورد تهاجم بی‌رحمانه قرار می‌دهد و با قساوت تمام آنان را به خاک و خون می‌غلطانند و اموال، شرف، ناموس، حیثیت، دارایی، منابع و معادن این کشورها را به یغما می‌برد و مغزهای متفکرشان را می‌رباید یا به جوخه‌های ترور می‌سپارد. با این وصف، دولت‌مردان امریکا با کمال بی‌شرمی بانگ برمی‌دارند که ما برای نجات این ملت‌ها قیام کرده‌ایم!

این مورد از نظر دور نمانده است که جرج دبلیو بوش پسر، در مبارزات انتخاباتی ریاست

جمهوری آمریکا در سال ۲۰۰۰ با اختلاف بسیار اندکی از رقیبش ال‌گور پیشی گرفت و سرانجام با تصمیم نهایی دیوان عالی ایالات متحده آمریکا نظر هیئت اکثرال را برای تأیید ریاست جمهوری اش جلب نمود (ویکی‌پدیا: جورج دبلیو بوش). در این شرایط بود که کارپردازان سیاسی آمریکا پیرو سیاست مزورانه منجی‌تراشی و جاسازی اندیشه دروغین نجات انسان و جهان، ترفندهای مرموز و کاملاً ویژه‌ای درباره معرفی جرج بوش به عنوان رئیس‌جمهور منجی به عمل آوردند. در نتیجه، حاکمیت سیاسی - ایدئولوژیک آمریکا بر اساس این ترفندها با بی‌اعتنایی به فاصله اندک آرای دو رقیب، حکم به ریاست جمهوری بوش داد تا اهداف خود را در پس دکترین نجات به دست کسی که در تبلیغات گسترده، منجی بشر و جهان معرفی شده بود دنبال کند.

جورج بوش متدیست^۱ خودش نیز بر این باور و وهم بود که وی مسیح موعود است و به مثابه یک منجی برای نجات آمریکا و جهان ظهور کرده است.^۲ در دور اول ریاست جمهوری بوش، آمریکا نظر ناتو را برای عملیات گسترده نظامی در جهان اسلام از جمله در عراق و افغانستان به انگیزه نجات مردم این دو کشور و حاکمیت لیبرال - دموکراسی در آن‌ها جلب کرد. هدف اصلی تهاجم در نظر آتش‌افروزان جنگ، ایران اسلامی بود. آمریکا در نظر داشت جنگ در عراق و افغانستان نوعی دست‌گرمی و آماده شدن برای تهاجم همه‌جانبه و از هر سو به ایران باشد. به روشنی، این هجمه‌ها بنا بود زمینه‌های لازم را برای حمله گسترده به ایران فراهم سازد. عملیات نظامی و تهاجم‌های تسلیحاتی علیه این کشورها تنظیم گردید، گرچه همه این لشکرکشی‌ها با انگیزه نجات انسان‌ها تدارک دیده شده بود.

در داخل آمریکا نیز همزمان با این ترفندها و جنایت‌ها، به اذهان مردم آمریکا رفته‌رفته القا شد که بوش منجی انسان‌هاست و اقدامات جنگ‌افروزانه او درست و بجاست. حتی در مدارس ابتدایی، ذهنیت کودکان را به این اظهارات سخیف آغشته ساختند. در فیلم مستند *اردوگاه مسیح*، در یک مدرسه ابتدایی، خانم معلمی به نام بکی فیشر به کودکان درس معنویت و دعا می‌دهد و آداب دعا کردن به درگاه خداوند را به آنان می‌آموزد. در این اثنا که ذهنیت

۱. در سال ۱۷۳۸ فرقه متدیست‌ها (Methodists) منشعب از کلیسای پروتستان در انگلستان پایه‌گذاری شد و در ۱۷۸۴ در شهر بالتیمور ایالت مریلند کار خود را در آمریکا به طور رسمی آغاز کرد. در این فرقه اسقف اعظم توسط پیروان انتخاب می‌شود و به صورت مادام‌العمر فعالیت می‌کند. در این مذهب تفسیرهایی بر اساس سنت، عقل و تجربه وجود دارد که همگی از انجیل استنباط شده‌است. متدیست‌ها به شدت به این نکته معتقدند که زندگی اجتماعی آینه تجلی دین است و هیچ دستوری قابل بحث نیست، مگر این‌که در زندگی روزمره تأثیر خود را نشان دهد. (ویکی‌پدیا: متدیست)

۲. سیمور هرش، روزنامه‌نگار مشهور آمریکایی در گفت‌وگو با روزنامه *زمان* چاپ ترکیه، به نقل از پایگاه خبری آینده روشن.

کودکان معصوم با مفهوم دعا و آداب دعا کردن آشنا می‌شود، یکی از همکاران فیشر به ناگاه تصویر مقوایی بزرگی از جرج بوش پسر را در مقابل کودکان قرار می‌دهد و به آنان چنین القاء می‌کند که هرچه تا به حال از خدا درخواست می‌کردید از جناب بوش بخواهید که این است آن منجی که جهان را نجات خواهد داد!^۱

۱. نگاهی به فیلم مستند «اردوگاه مسیح»، با نقد سعید مستغاثی:

اردوگاه مسیح (Jesus Camp) ساخته هایدی اوینگ و راشل گریدی مستندی صریح، بی‌واسطه و تکان دهنده درباره تبلیغ تفکر اوانجلیستی در میان کودکان امریکایی است؛ تفکری که بنیادش بر آموزه‌های صهیونیستی قرار داشته و پیروانش به آخرالزمانی مبتنی بر نبرد آرماگدون براساس برپایی مملکت اسرائیل معتقدند تا مسیح موعودشان که به غیر از حضرت مسیح علیه السلام معرفی شده، پس از آن جنگ مهیب و ویران کننده - که به قول خودشان در آن، کره زمین تقریباً نابود شده و دوسوم اهالی آن به جزیه‌دیان و اوانجلیست‌ها از بین خواهند رفت - نزول اجلال فرموده و یهودیان باقی مانده که به وی می‌گروند را نجات بخشد! کمپ تابستانی بچه‌ها روی آتش در کنار دریاچه شیطان در داکوتای شمالی امریکا، کمپی است که زن واعظ اوانجلیستی به نام بکی فیشر آن را تأسیس کرده و کودکان را از شش سالگی به آن جا می‌آورد و با آموزش‌های شبانه‌روزی می‌خواهد آن‌ها را به سربازانی برای نبرد آرماگدون تبدیل کند. گفتنی است در فرهنگ سیاسی امروز، اوانجلیست‌ها به صهیونیست‌های مسیحی نیز معروفند.

هایدی اوینگ و راشل گریدی، سه کودک به نام‌های لوی، ریچل و توری را انتخاب کرده و با دنبال کردن آن‌ها به طور موازی، تماشاگر را با فضای کمپ، ایده‌های سیاسی و مذهبی خانم فیشر و سیستم آموزش مذهبی او و مکانیسم تلقین و شستشوی مغزی کودکان در این کمپ آشنا می‌سازد. این کودکان به طور داوطلبانه و با رضایت والدینشان در این اردوگاه شرکت کرده و تحت تعالیم اوانجلیستی قرار می‌گیرند.

در فیلم مشاهده می‌کنیم، خانم فیشر به بچه‌ها می‌گوید که وظیفه دارند جهان را به مسیح موعود بازگردانند و کلید این کار در دست آن‌هاست. او مأموریت خود را مبارزه معنوی می‌خواند و تلاش می‌کند کودکان را از نظر فیزیکی و ذهنی بی‌اختیار کرده و تحت کنترل تام خود درآورد و به این ترتیب آن‌ها را آماده پذیرش ایده‌های صهیونیستی خود کند. هدف وی از ایجاد این کمپ تنها هدایت کودکان در مسیر مذهب نیست، بلکه او می‌خواهد از آن‌ها سربازانی برای آینده بسازد؛ سربازانی برای امثال جورج بوش که بکی فیشر درباره‌اش می‌گوید: خداوند او را برای نجات دنیا و بازگرداندن آن به دست مسیح فرستاده است.

کاملاً روشن است که خانم فیشر اهداف نئوکنسرواتیوهای حاکم بر امریکا را دنبال می‌کند که هرگز طرح و نقشه‌های جنگ افروزان خود را برای حمایت از بقای اسرائیل و پیشرفت صهیونیسم در دنیا پنهان نکرده‌اند. از یاد نمی‌بریم که همین جناب جورج بوش در اوایل حاکمیتش بر کاخ سفید، آریل شارون (نخست‌وزیر پیشین اسرائیل و قصاب کشتارهای دسته‌جمعی فلسطینیان) را پدر روحانی خویش خواند!

خانم بکی فیشر در صحبت‌هایش گرایش خود به ایده‌های جورج بوش را انکار نمی‌کند و آشکارا آن را در سخنانش تبلیغ می‌کند. او با لحنی پرشور و هیجان‌انگیز حرف می‌زند تا بتواند کودکان خردسال را تحت تأثیر قرار داده و جذب ایده‌های سیاسی خود سازد. او از جنگ فرهنگی حرف می‌زند و کودکان را از نفوذ شیطان بر حذر می‌دارد. بکی فیشر از روش‌های سمبلیک و ابزارهای ساده مثل بادکنک و عروسک برای جسمیت بخشیدن به مفاهیم خیر و شر استفاده می‌کند. بچه‌ها با چکش، فنجان‌هایی را که نام شیطان روی آن‌ها نوشته شده، می‌شکنند و نام مسیح را فریاد می‌زنند. آن‌ها با شنیدن حرف‌های تهییج‌کننده بکی فیشر، از خود بی‌خود شده، دست‌ها را به سمت آسمان دراز کرده و به نحو هیستریکی ضجه می‌زنند و دوربین همه‌جا با آن‌ها و در کنار آن‌هاست، بدون این‌که لحظه‌ای توجه آن‌ها را به خود جلب کند یا مزاحمشان باشد.

اردوگاه مسیح، مستندی بدون شرح است؛ هیچ تفسیر و توضیحی در کار نیست؛ هیچ نریشنی وجود ندارد؛ فیلم‌سازان مطلقاً خود را نشان نمی‌دهند و حضور خود را به رخ نمی‌کشند یا نسبت به حرف‌هایی که در فیلم زده می‌شود،

افزون بر این، غرب استعماری، در سه دههٔ اخیر پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کوشیده است با تولید فیلم‌های هالیوودی دارای مضامین مرتبط با دکترین آخرالزمان و آیین نجات، همچنین با نشر و ترویج مکاتب و مذاهب و فرقه‌هایی که هریک به گونه‌ای سنگ نجات انسان و جهان در آخرالزمان را به سینه می‌زند، فهم و درک جهانی را به جانب غرب به مثابهٔ عامل نجات جهان و انسان جلب کند.

اکنون با عنایت به مفهوم نجات و منجی و با توجه به سوءاستفاده‌های کلانی که از دکترین نجات می‌شود، باید آن را یکی از مدارهای تربیت زمینه‌ساز قرار داد و شرایط و اوضاع و احوال تربیتی را براساس آن تنظیم کرد. بدیهی است کسانی که برای زمینه‌سازی در راستای نجات انسان‌ها تربیت می‌شوند باید خود از جمله نجات‌یافتگانی باشند که مراحل کمال انسانی را با تمام توان و با انگیزهٔ عالی طی کرده باشند، وگرنه

ذات نیافته از هستی‌بخش کی تواند که شود هستی‌بخش؟

پیامبران الهی همه عاشق نجات انسان‌ها بودند. اوصیای آن بزرگواران از جمله اوصیای خاتم آنان نیز در راه نجات انسان‌ها از هیچ کوشش و فداکاری و شهادت‌طلبی دریغ نمی‌کردند. با این وصف، انبیا و اوصیای آنان آگاه بودند که رسالتشان در راستای زمینه‌سازی برای ظهور منجی آخرالزمان است؛ منجی، همان پیشوایی که عصارهٔ تمام پاکی‌ها و سلالهٔ همهٔ پاکان است. آن برگزیدگان الهی به این رسالت خطیر نیز دل خوش داشتند و با کمال

موضع‌گیری نمی‌کنند. به جای آن سعی دارند هر قدر که می‌توانند خود را به بکی فیشتر، کودکان و والدین آن‌ها نزدیک ساخته و تأثیر هولناک حرف‌های فیشرو یاران او در کمپ روی کودکان معصوم و بی‌گناه را به نمایش گذارند. آغاز فیلم «اردوگاه مسیح»، دوربین از بزرگراهی می‌گذرد که تابلوی «خدا امریکا را حفظ کند» در آن کاملاً توجه تماشاگر را جلب می‌کند و صدای مایک پاپانتونیو بر روی این تصویر شنیده می‌شود که می‌گوید: در واقع این مذهب صهیونیست‌های مسیحی است که این کشور را هدایت می‌کند و حاکمان ادعا دارند که همهٔ آن‌چه که انجام می‌دهند، به نام خدا و برای خداست. او می‌گوید: به مردم امریکا می‌گویند که جورج بوش مرد مقدس و برگزیدهٔ خداوند است و آمده است جامعهٔ مسیحی را نه تنها در امریکا، بلکه در تمام جهان ایجاد کند. لوی نوجوانی ۱۲ ساله‌ای است که مانند کشیش‌ها حرف می‌زند و قصد دارد در آینده کشیش شود. او در یکی از وعظ‌های خود در کمپ می‌گوید که نسل او نسلی است که می‌تواند مسیح را بازگرداند. توری نیز دختر نُه سالهٔ یک افسر امریکایی است که به موسیقی‌های هوی متال و راک علاقه‌مند است. در صحنه‌ای از فیلم، یکی از خدمتگزاران اردوگاه، شمایل مقوایی بزرگی از جورج بوش را در مقابل بچه‌ها قرار می‌دهد و از آن‌ها می‌خواهد او را دعا کنند. بچه‌ها نیز دست‌هایشان را به سمت بوش دراز کرده و برای او دعا می‌خوانند؛ حرکتی که بیشتر به پرستش شبیه است تا دعا.

در فیلم گفته می‌شود، این کودکان ارتش مسیحی جمهوری خواهان هستند و باید برای نجات امریکا از شر دشمن و نیروهای ضد مسیح آماده شوند. واعظان کمپ مسیح در سخنان خود آشکارا از تجهیز نظامی این ارتش ایدئولوژیک صهیونیستی در قدم بعدی سخن می‌رانند.

Hamshahrionline. چهارشنبه، ۱۳۸۷/۱/۱۴، کد مطلب ۴۷۴۴۴، با اندکی حذف و تصرف

ارادت و اخلاص، به سهم خویش مجاهدت می‌ورزیدند تا مسئولیت الهی خود را به سلامت به انجام رسانند و در این راه موفق بودند.

اکنون به پشتوانه مجاهدت‌های همه بزرگوارانی که در اندیشه نجات انسان‌ها عمر مبارک خویش را به پایان رساندند باید با تلاش و جدیت به همتی متعالی دست یافت و با عشق، ارادت و اخلاص به تربیت نسلی که بتواند یاور امام زمان در تحقق بخشیدن به آمال و آرزوهای ایشان باشد اهتمام ورزید. افزون بر این، همان‌گونه که در دعاها و زیارت‌نامه‌ها آمده است،^۱ باید ملتمسانه از خدا خواست که ما را در زمره نجات یافتگان حضرت مهدی قرار دهد؛ نجات یافتگانی که با کمال اخلاص در فرمان‌برداری از مقام آن جناب کوشا هستند.

۵. کمال‌انگاری؛ توجه به کمال بشر و ملزومات آن در تربیت زمینه‌ساز

میان تربیت زمینه‌ساز و توجه به کمال بشریت ملازمه و همبستگی مثبت برقرار است. هرچه بیشتر به نجات انسان‌ها بیندیشیم کمال انسان‌ها و ملزومات آن بیشتر جلوه‌گری می‌نماید. دوران‌دیشی مریبان ایجاب می‌کند آنان در تدارک تربیت زمینه‌ساز هرگز از نیل تربیت یافتگان خود به کمال الهی و انسانی غفلت نورزند؛ چرا که بی‌توجهی به این عنصر کلیدی تلاش آنان را ناکارآمد خواهد ساخت. دولت کریمه امام زمان علیه السلام به استواری مردان و زنانی استوار و برقرار می‌ماند که در کمال‌یافتگی، گوی سبقت از اقران خود برده باشند.

چنان‌که گفته شد، تربیت برای نیل به برترین‌ها، بهترین‌ها و مهم‌ترین‌ها از جمله اهدافی است که در فرهنگ تربیت زمینه‌ساز، بیش از حد مهم و حیاتی به نظر می‌رسد. کمال انسان هم به این است که بر اساس تربیت شایسته و بایسته تا آن‌جا که میسر است به بهترین‌ها و برترین‌ها دست یابد. عصر ظهور عصر برترین‌ها و بالاترین‌هاست؛ عصر برترین و بالاترین رفتار و منش؛ عصر بهترین شخصیت‌ها برای بالاترین مسئولیت‌ها و مهم‌ترین رسالت‌ها، متناسب با جایگاه نظام و دولت مهدوی. به بیانی دیگر، عصر امام زمان علیه السلام عصر کمال انسان و کمال تاریخ و زمین و زمان است. عصر مهدوی عصری است که همه چیز از جمله طبیعت و انسان و پیشرفت و بلندمرتبگی، همه و همه به اوج کمال خود می‌رسند. شایستگی‌های هر چیز و هر موجودی بناست در این عصر به منصه ظهور برسد. این اراده حتمی و محکم الهی است که به اذن خداوند تحقق خواهد یافت. در این عصر حتی زمین و آن‌چه روی زمین یا درون آن است

۱. «و اسألك بحرمه وجهك الكريم ... و تجعلني في جملة الناجين به و المخلصين في طاعته ...» (قمی، بی‌تا: زیارت ائمه سرمن رأی، زیارت امام هادی علیه السلام)

کمال و شایستگی‌های خود را بروز خواهد داد تا چه برسد به انسان که همهٔ امور برای او تنظیم و مستقر شده است.

اما تا کنون حریم کمال انسان و تاریخ و جهان از دستبرد شبیخون فرهنگی غرب در امان نمانده است، تا جایی که عوامل فرهنگی غرب در تهاجم خود به فرهنگ و ارزش‌های اسلام کوشیده‌اند کمال مادی و معنوی تاریخ را به نفع فرهنگ غرب مصادره و تئوریزه کنند. به عنوان نمونه، به دیدگاه فرانسیس فوکویاما توجه فرمایید که به استناد اندیشهٔ دیالکتیک هگل و در تکمیل آن تلاش کرده است ثابت کند در آستانهٔ هزارهٔ سوم میلادی، همه شاهد شکوفایی و کمال معنوی و مادی جهان و انسان خواهیم بود. فوکویاما بر این عقیده است که هگل فلسفهٔ کمال مادی تاریخ را رقم زد و آن را توجیه و تأیید نمود. پس از آن تا زمان حاضر انسان در تدارک و تأمین کمال معنوی تاریخ بوده است. تاریخ بدین منوال با شکوفایی نظام لیبرال - دموکراسی در غرب شاهد ظهور و بروز کمال معنوی خود است. لیبرال - دموکراسی به سرکردگی غرب قدرتمندی چون امریکا بناست به مثابهٔ جامع کمال مادی و معنوی تاریخ، فصل الخطاب همهٔ نظام‌های سیاسی و حکومت‌ها در سطح و گسترهٔ جهان باشد و سرمشق همهٔ دولت‌ها قرار گیرد. فوکویاما تأکید می‌کند که با رشد و توسعهٔ اندیشهٔ هگل و شکوفایی لیبرال - دموکراسی در غرب و انتشار آن در جهان، تاریخ به فرجام و سرآمد مطلوب و در نتیجه به کمال مادی و معنوی خود رسیده است (نک: لاریجانی، ۱۳۷۴: ۱۸۳ و ۲۶۹ - ۲۸۰).

این نمونه‌ای از خروارها ترفندهای شیطانی است که توسط غرب تولید و ترویج می‌شود تا اذهان و افهام بشر از همه‌جا منصرف و به جانب غرب به اصطلاح لیبرال - دموکرات منصرف گردند. این اندیشه‌های اهریمنی چندین بار تا کنون از جانب غرب استعمارگر با شیوه‌های گوناگون و فنون رنگارنگ بازتولید و بازسازی شده و به افکار عمومی جهانیان بی‌خبر تزریق گردیده است. این‌ها نشان می‌دهد که تا چه اندازه باید با بصیرت بود و هشیارانه عمل کرد، مبدا ذهن و خیال ما در هجمهٔ فرهنگ و اندیشهٔ غرب تخریب و تضییع شود. اکنون می‌فهمیم چرا معصومین علیهم‌السلام این همه ما را از غفلت و درگیر شدن در اندیشه و رفتار بیگانگان برحذر داشته و نسبت به فتنه‌های بزرگ آخرالزمان هشدار داده‌اند (برای مثال، نک: مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۵۱، ۶۸-۷۰؛ کلینی، ۱۴۰۱: ۵۸؛ ابن حماد، ۱۹۹۷: ۲۸؛ مقرئ دانی، ۲۰۰۸: ۳۵).

در برابر تمام ترفندها و فتنه‌های ویران‌گر، عصر ظهور را باید از سویی عصر شکست هیمنهٔ شیطان و عصر ابطال همهٔ فتنه‌ها دانست و از سوی دیگر، عصر شکوفایی همهٔ کمالات و برجستگی‌های ممتاز انسان برشمرد. با توجه به چنین رویداد عظیم و بلندمرتبه‌ای است که

تربیت زمینه ساز از هم اکنون تا زمان ظهور باید کمال محور باشد و در هر زمینه و با هر گرایش و به هر شیوه ای به مراحل کمتر از مرحله کمال یافتگی بسنده نکند.

۶. تحول مداری؛ تحولات شگرف فرا روی انسان و جهان در عصر ظهور

تحولات جهانی در آستانه ظهور و پس از ظهور آن چنان چشمگیر و خیره کننده و بدون سابقه هستند که گویا جهان از نو تولد یافته است. فکر و اندیشه و هنر و معرفت انسان ها نیز آن چنان بالنده و کمال یافته است که گویا انسان ها از نو به دنیا آمده اند. جهان آلوده به کفر و کافر، جهان مرده ای بیش نیست. وقت ظهور که کفر و کافر از جهان رخت بربندد، زمین زندگی دوباره می یابد.^۱ در روایات مربوط به عصر مهدویت عباراتی به چشم می خورد که مضامینی چون بهار انسان ها و خرمی دوران ها،^۲ تولد دوباره، تجدید حیات، نوآوری، شکوفایی و نظایر آن را تداعی می کنند. این گزاره ها و واژه ها با مضامینی که ترویج می کنند بیان گر این واقعیتند که با ظهور امام زمان علیه السلام اسلام و قرآن و ارزش ها و مسلمانی و زمین و زمان و مکان حیات دوباره می یابند.

تعبیر به حیات دوباره از این منظر است، که نمی توان پیشینه ای برای تحولات شگرفی که در اندیشه و سبک زندگی بشر روی زمین رخ می دهد پیدا کرد. هر چه هست به برکت سر آمدن فرج و ظهور و حضور حجت خدا بر روی زمین است. حضرت ولی عصر علیه السلام از این نظر که وجود مبارکش مظهر و تجلی اسم اعظم الهی است، تمام کمالات را داراست و از این رو مایه تأمین حیات معنوی و سرچشمه آب زندگانی و به بیانی حقیقت آب حیات هستند (نک: جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۱۱۷). با ظهور حضرت مهدی علیه السلام اسلام از غربت دیرینه خود نجات می یابد و حقایق از اسلام که تا آن زمان برای همه کس پوشیده مانده است آشکار می گردد و اسلام رنگ و روی تازه می گیرد تا آن جا که به خیال عده ای امام زمان علیه السلام دین جدیدی ارائه داده است! (همو: ۲۶۵)^۳

اساساً سیره امام زمان علیه السلام بر این است که همچون جد بزرگوار خود با تمامی خرافه ها و موهوم پرستی ها مبارزه کند و سنت های جاهلی را که به نام اسلام رواج یافته و ساحت دین را

۱. قال الباقر علیه السلام: «يُخَيِّمُهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِالْقَائِمِ علیه السلام بَعْدَ مَوْتِهَا [يَغْنِي] بِمَوْتِهَا كُفْرَ أَهْلِهَا وَ الْكَافِرُ مَيِّتٌ». (صدوق، ۱۳۹۶ - ب: ج ۲، ۳۸۵)

۲. «السَّلامُ عَلَى رَبِّيعِ الْأَنَامِ وَ نَضْرَةِ الْأَنْبَاءِ؛ سلام بر بهار انسان ها و خرمی دوران ها.»

۳. قال الباقر علیه السلام: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ دَعَا النَّاسَ إِلَى أَمْرِ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ إِنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيباً وَ سَيَعُودُ غَرِيباً كَمَا بَدَأَ فَطُوبَى لِلْغُرَبَاءِ». (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۲۰)

مخدوش ساخته است ابطال فرماید و اسلام را به صورتی نو و طرحی جدید ارائه دهد. اسلام در عصر ظهور با شکل و طرح جدید خود از جذابیت‌های ویژه‌ای برخوردار است که هرگز نمی‌توان نمونه و مثالی برایش در نظر گرفت (نک: همو).^۱

با توجه به چنین برداشت‌هایی است که تربیت زمینه‌ساز ظهور بسیار موضوعیت می‌یابد و حساسیت بالایی دارد. مگر می‌شود به یک چنین واقعیت‌هایی امیدوار بود، اما متناسب با ظهور و بروز آن‌ها تدارکی ندید و برنامه‌ای تنظیم نکرد؟ برنامه‌های تربیتی همیشه تابعی از اهداف و اغراض و مقاصد تربیتی هستند. مریبان بسته به این‌که چه هدفی را از تربیت انسان‌ها دنبال می‌کنند، برای تربیت آنان برنامه‌ریزی می‌نمایند. به عبارتی، برنامه‌های تربیتی درست باید در راستای تأمین اهداف تربیتی باشند. بدین ترتیب، هنگامی که بناست به استقبال ایام فرخنده و پرافتخاری برویم که زمین و زمان و انسان و جهان تازه می‌شوند، باید به فکر چاره بود و برای ورود به چنین ایام مبارکی خود را آماده ساخت و به منظور تحقق هرچه سریع‌تر چنین دوران خرم و بهاری، خویشتن را تربیت نمود. تربیتی بر این اساس زمینه‌ساز است که روند تازه و سرآمدی را نسبت به همه روندهای جاری و متعارف آغاز کند و نتایج آن در تحقق منویات و مقاصد امام زمان (عج) مؤثر باشد. هنگامی که حضرت ظهور فرماید، دین مبین اسلام شاخ و برگ تازه می‌آورد. در این صورت، تمامی علف‌های مزاحم و هرزی که در طول دوران غیبت کبرا به دامن اسلام چسبیده‌اند ریشه‌کن گردیده، از تنه استوار اسلام ناب زدوده می‌شوند. به منظور پاسداری از درخت پاکیزه اسلام ناب محمدی (ص) در عصر ظهور، لازم است نسلی تربیت شوند که توانایی درک این موقعیت و توان و لیاقت و قابلیت حراست از چنین هنگامه عظیمی را داشته باشند. این امر میسر نمی‌شود مگر به مدد تربیتی که منتظران ظهور و فرج امام زمان متناسب با وضعیت و تربیت جدید به دست آورده‌اند.

از همه گذشته، جوامع بشری پس از دوران متمادی تجربه‌های بی‌شمار، در انتخاب الگو و شیوه زندگی به نقطه‌ای می‌رسند که احساس می‌کنند باید فضای تازه‌ای را گشود و در هوای تازه‌ای نفس کشید. به یمن ظهور و به برکت نفس قدسی امام زمان (عج) روح تازه‌ای در کالبد جهان دمیده می‌شود، اسلام و قرآن از نو حیات و خرمی می‌یابند^۲ و به انسان و جهان حیات

۱. قال الصادق (ع): «... یَصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَهْدُمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أُمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً.» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۰)

۲. «السلام عليك يا أبا الإمام المنتظر الظاهرة للعاقل حجتة ... والمعید ربنا به الإسلام جدیداً بعد الإنطماس و القرآن غضا بعد

دوباره می بخشند. تربیت زمینه ساز از یک منظر می خواهد زمینه ساز و تحقق بخش چنین عصر و هنگامه با عظمتی باشد؛ هنگامه ای که صاحبش به حق بهار خلاق و خرمی روزگاران است.

۷. رعایت حق التقوی؛ تربیت زمینه ساز بر اساس تقوای گام به گام و فراگیر

در نقطه مقابل دام ها و گام های شیطانی، آن چه مربیان تربیت زمینه ساز باید از عهده انجامش برآیند و فرگیران مستعد را به مفاد آن و به منظور تحقق ارزش های برگرفته از آن تربیت کنند، عبارت است از تربیت به مفاد آیه قرآن که اهل ایمان را به رعایت حد اعلای تقوای الهی و پایداری بر اسلام و مسلمانی سفارش می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ﴾. (آل عمران: ۱۰۲)

حق التقوی مراعات همه الزامات تقوایی در تمامی احوال و شرایط و مناسبت هاست؛ تقوا در ارتباط با خداوند، تقوا در ارتباط با خود، تقوا در ارتباط با دیگران، تقوا در ارتباط با آفرینش و آفریده ها و اشیا و پدیده ها. از اهل ایمان خواسته شده است حق التقوی را - آشکارا و نهان - از همه جنبه های اعتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و... مراعات کنند. حق التقوی شعار تقوایی در همه ساحت ها و از تمامی جنبه های زندگی است، به گونه ای که نه تنها اعمال و رفتار اعضا و جوارح را دربر می گیرد، بلکه مشتمل بر تقوا در ناحیه خیال، اندیشه، احساس، هیجانات، عواطف، امیال و آرزوها نیز هست. با این بیان، رعایت حق التقوی در کنار سایر اصول، حد نصاب لازم برای تربیت زمینه ساز محسوب می گردد. قرآن در ادامه سفارش به حق التقوی، فرمان به اعتصام به حبل المتین الهی می دهد که به تعبیر روایات منظور همان توسل و چنگ زدن به ریسمان محکم و راستین قرآن و ولایت اهل البيت (علیهم السلام) است.^۱

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾. (آل عمران: ۱۰۳)

۱. ایندرا. (قمی، بی تا: مفاتیح الجنان، زیارت ائمه سر من رأی، زیارت امام حسن عسکری (علیه السلام) برای مثال نک: روایتی از امام صادق (علیه السلام) که ائمه اطهار (علیهم السلام) را حبل المتین الهی می داند، آن جاکه می فرماید: «نَحْنُ حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ فِيهِ: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا﴾» (طبرسی، ۱۳۹۰: ج ۲، ۴۸۲). در روایتی دیگر، حضرت با اشاره به دو نمونه حبل الهی و انسانی مورد نظر قرآن، «حبل من الله» را قرآن و «حبل من الناس» را امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) معرفی می کند: «عن ابی عبد الله (علیه السلام) فی قوله: ﴿إِلَّا بِحَبْلِ مِنَ اللَّهِ وَ حَبْلِ مِنَ النَّاسِ﴾ قال: الحبل من الله كتاب الله والحبل من الناس هو علی بن ابی طالب (علیه السلام) (همو: ج ۳، ۳۸۳).

به طور قطع، رعایت تقوای الهی در ارتباط با خداوند، پیامبران، امامان و اولیای الهی، به‌ویژه نسبت به شخص و شخصیت حضرت ولی عصر علیه السلام و خلافت و ولایت و حکومت جهانی آن حضرت از جمله مصادیق و موارد بارز و برجسته حق التقوی به شمار می‌رود. از همه مهم‌تر، آن‌گونه که از ادامه آیات قرآنی به دست می‌آید، پایبندی به دین حنیف اسلام با همه لوازم و آثار آن، همچنین چنگ زدن به حبل متین الهی - به بیانی که گذشت - همه در راستای نیل به حقیقت تقوا و زمینه‌سازی برای عصر ظهور، از لوازم روشن حق التقوی به شمار می‌روند.

۸. التزام به حق الجهاد؛ تربیت زمینه‌ساز تربیت مجاهدان راستین

تحقق هنگامه عظیمی چون ظهور امام زمان علیه السلام بیش از هر عاملی در گرو همت والای مجاهدان راستین راه خداست؛ مجاهدانی که نه تنها از مال و جان و هستی خود که حتی از نام و نشان و اعتبار و تمامی آن چه رنگ خودی و خودپرستی دارد می‌گذرند تا رضای الهی را به دست آورند. اینان همواره در میدان جهاد اکبر، در جدال با هواهای نفسانی و امیال شیطانی، چه پیش از جهاد اصغر و مبارزه با دشمنان بیرونی و چه پس از آن، موفق و سربلند و پیروزند. اینان مورد تحسین و تجلیل پیامبرند که در گرامی داشتشان فرمود:

أفرین بر مردمی که جهاد کوچک‌تر را [با موفقیت] به انجام رساندند و [رسالت] جهاد بزرگ‌تر همچنان بر دوششان باقی مانده است.^۱

این مجاهدان سرافراز می‌توانند از مصادیق بارز و مسلم این آیه از قرآن باشند که فرمود:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِى نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبَادِ﴾؛ (بقره: ۲۰۷)

و از میان مردم کسی هست که خویشش را به بهای دریافت خشنودی خداوند [با وی] معامله کند و خداوند نسبت به بندگان بسیار مهربان است.

این آیه در شأن حضرت علی علیه السلام و دربارهٔ ایثار و فداکاری ایشان در لیلۃ المبیت نازل شده است (نک: سبحانی، ۱۳۷۴: ۴۵ - ۵۷؛ امینی، ۱۳۹۸: ج ۲، ۴۹ - ۴۷؛ غزالی، بی‌تا: ج ۳، ۳۷۸؛ ابن جوزی، بی‌تا: ۳۵؛ حاکم حسکانی، ۱۳۶۹: ج ۱، ۱۲۳، ش ۴)، با این وصف شامل حال مجاهدانی نیز می‌تواند باشد که بسته به ظرفیت وجودی خود برای مجاهدت خویش جز

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله بَعَثَ سَرِيَّةً فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ: مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ: جِهَادُ النَّفْسِ. (حر عاملی، ۱۴۱۴: کتاب الجهاد، باب جهاد النفس و ما یناسبه،

رضای الهی منظور دیگری در سر نمی‌پروراندند. کسانی از مجاهدان راه خدا که به این مقام برسند، به مقامی که جز خدا را درک نکنند و جز به رضایت او نیندیشند، در حقیقت حق جهاد الهی را ادا کرده‌اند و به این سفارش قرآن پاسخ مثبت داده‌اند که فرمود:

﴿وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ﴾ (حج: ۷۸)

مترجمان قرآن کریم، «جاهدوا فی الله» را به مثابه «جاهدوا فی سبیل الله» برشمرده‌اند، گو این‌که در مقام ترجمه «فی الله» کلمه «سبیل» را مستتر دانسته‌اند. هر چه باشد تعبیر «فی الله» به جای «فی سبیل الله» تعبیر بسیار ظریفی است که هرگز نباید از این ظرافت و فلسفه آن غافل ماند. ظرافت چنین تعبیری در این است که بیان‌گر شدت تعلق خاطر مجاهدان راستین به خداوند بوده، ذوب شدن آنان در وجود خداوند را مورد تأکید و توجه قرار می‌دهد. پیرو برداشت از آیه بالا، این تعلق خاطر به خداوند در واقع شرط اساسی سرافرازی مجاهدان راستین خدا، راه ورود به ملیت و آیین حنیف پدر آیین‌های الهی حضرت ابراهیم علیه السلام، معیار سنجش اعتبار مسلمانی مسلمانان به اسلام ابراهیمی، ملاک شأنیت گواه مردم دنیا واقع شدن و رمز پذیرش ولایت الهی و توفیق درک نصرت خداوندی به شمار می‌رود. در آیه فوق به این امور ویژه اشاره رفته است؛ اموری که با اصول و مقاصد تربیت زمینه‌ساز نیز تناسب و سنخیت دارند و برای تدارک عصر ظهور بسیار حیاتی و مهم به نظر می‌رسند. در تربیت زمینه‌ساز چنان‌چه حق جهاد در راه خدا آن چنان که شایسته و بایسته است ادا نشود، ثمره‌ای به بار نخواهد نشست و ظهور و فرجی به وقوع نخواهد پیوست. بدین ترتیب، یکی دیگر از حد نصاب‌های لازم در تربیت زمینه‌ساز رعایت حق الجهاد و آماده‌سازی تن و جان و روان برای معامله با خداوند است؛ حقیقتی که یاران و همراهان حضرت ولی عصر علیه السلام به آن آراسته و پایبندند.

۹. عاشوراگرایی؛ تربیت زمینه‌ساز با الهام از زیارت عاشورا

اگر کسی بخواهد با فرهنگ شیعه آشنا شود، لازم است به زیارت عاشورا مراجعه کند؛ چون زیارت عاشورا پیش از آن‌که زیارتنامه‌ای برای شیعه باشد، فرهنگ بسیار والا و راستین تشیع ناب است؛ زیارت عاشورا پیش از آن‌که دفتری از حوادث باشد، دانشگاهی سرشار از ارزش‌ها و فضیلت‌های باشکوه و استوار است. برداشت از مکتب متعالی قرآن و اهل البیت علیهم السلام بدون

توسل و توجه به زیارت عاشورا و بدون تمسک به فرهنگ عاشورایی ابتر و ناتمام است. در زیارت و فرهنگ عاشورا، روح و شور حسینی در جریان است و از این رو چنین زیارتی مهد پرورش مرام، سیرت، خلق و خو، ادب، کمال، جلال و جمال حسینی بوده، هست و خواهد بود. زهی سعادت شیعیان که از برکات فراوان فرهنگ عاشورایی برخوردارند و از مضامین بلند آن بهره می‌برند و در همهٔ امور، به‌ویژه به هنگام تنگناها و در رویارویی با چالش‌ها و بحران‌ها به مدد آن به‌پا می‌خیزند و با الهام از آن، رسالت الهی خویش را در هر نقطه‌ای از جهان و در هر قطعه‌ای از زمین به انجام می‌رسانند!

از جمله مهم‌ترین و در عین حال مخاطره‌انگیزترین رسالت‌های شیعیان، فراهم‌سازی زمینه‌ها برای تحقق عصر ظهور و به وقوع پیوستن فرج پیشوای منصور و ظفرمند زمین و زمان و راهبر و راهنمای خلق جهان، حضرت ولی عصر علیه السلام است. همان گونه که یار و جان‌نثار حضرت سیدالشهدا علیه السلام بودن و زمینه‌سازی برای قیام الهی ایشان شرایط و لوازمی دارد، یار امام زمان علیه السلام بودن و وفاداری نسبت به ساحت قدسی آن بزرگوار و زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت نیز منوط به شرایط و لوازم ویژه‌ای است که از زیارت عاشورا و سیرهٔ حضرت سیدالشهدا علیه السلام و یاران باوفای ایشان الهام می‌گیرد. زیارت عاشورا هم از این جنبه مورد توجه و استناد است که همهٔ این شرایط و لوازم را یک‌جا دربر دارد.

شرایط و لوازم مزبور دارای مضامین بلندی است که در راستای تربیت زمینه‌ساز از اعتبار و کارآمدی خاصی برخوردار است. از این رو، زیارت عاشورا را باید بهترین الگو و کامل‌ترین سند برای استنباط، تبیین و تفسیر ارکان اساسی تربیت زمینه‌ساز دانست. چه بسا راز توصیه و تأکید حضرت ولی عصر علیه السلام بر مداومت بر زیارت عاشورا به همین معنا و حقیقت برگردد. در این زیارت بلند مضامین، حقایق دوسویه‌ای چون عاشورای حسینی و قیام مهدوی، غیبت و ظهور، شهادت و انتظار، حسینی بودن و مهدوی شدن با شکوه تمام در تجلی است. گو این که زیارت عاشورا پیش‌نیاز اصلی، بلکه اساسنامهٔ تربیت زمینه‌ساز است. در این جا با مروری به زیارت عاشورا، به مهم‌ترین موارد از این حقایق دوسویه اشاره می‌کنیم و تفصیل مطالب را به مجال دیگری وامی‌گذاریم. به بیانی روشن‌تر، روحیه، احساس، اندیشه و رفتار انسان‌های تربیت یافته به تربیت مهدوی در پرتو زیارت فرهنگ‌ساز عاشورا با اوصاف و ویژگی‌های زیر توصیف می‌گردد:

۱. ولایت‌مداری نسبت به امام در سه محور: قلبی، زبانی، رفتاری؛^۱

۱. «يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ وَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى فَاطِمَةَ وَ إِلَى الْحَسَنِ وَ إِلَيْكَ بِمَوْلَانِكَ»؛ «وَ أَتَقَرَّبُ إِلَى

۲. برائت جویی از دشمنان امام در سه محور: قلبی، زبانی، رفتاری؛^۱
۳. شهادت طلبی در راه تحقق آرمان های امام؛^۲
۴. سلم و وفا با هر کس نسبت به امام تسلیم و وفادار است؛^۳
۵. جنگ و ستیز با هر کس با امام در جنگ و ستیز است؛^۴
۶. در آرزوی قیام در رکاب امام زمان (عج) برای خون خواهی خون سیدالشهدا (ع)؛^۵
۷. با گام های راستین و استوار در پیروی از امام زمان (عج)؛^۶
۸. تمنای آبرومندی و وصول به مقام قرب و همجواری با امام؛^۷
۹. در اندیشه گزینش الگوی سبک زندگی با الهام از حیات و شهادت اهل البيت (ع)؛^۸
۱۰. در انتظار فرجامی شایسته و شکوهمند برای پیروزی حق بر باطل و اعتلای حق و سرنگونی باطل.^۹

الله ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَلَاتِكُمْ وَمُؤَلَاتِكُمْ»، «إِنِّي ... وَلِيٍّ لِمَنْ وَالَاكُمْ» و

۱. «فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَشَسَتْ أَصَاسَ الظُّلْمِ وَالْجُورِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ ...»، «تَوَثَّ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ وَ أَتْبَاعِهِمْ وَ أَوْلِيَانِهِمْ»، «وَ زَرَقَنِي الْبِرَاثَةَ مِنْ أَغْدَائِكُمْ» و ...

۲. «وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ»، «اللَّهُمَّ اجْعَلْ ... مَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» و ...

۳. «إِنِّي سَلِّمٌ لِمَنْ سَأَلْتَهُمْ».

۴. «إِنِّي ... حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبْتَهُمْ».

۵. «فَأَسْأَلُ اللَّهَ ... أَنْ يَزُقَّنِي طَلَبَ تَارِكٍ»، «وَ أَسْأَلُهُ ... أَنْ يَزُقَّنِي طَلَبَ تَارِكِكُمْ».

۶. «فَأَسْأَلُ اللَّهَ ... أَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صَدَقِي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»، «وَ ثَبَّتْ لِي قَدَمَ صَدَقِي عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ ...».

۷. «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَ جِهَاً بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»، «وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ».

۸. «اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَخِيئَتِي مَخِيئَةَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» و ...

۹. «... وَ قَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلِّمٌ وَ أَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ». (قمی، بی تا: زیارت اربعین)

«... وَ نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَخُكُمَ اللَّهُ وَ هُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» (همو: زیارت حضرت عباس (ع)).

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَ ابْنِ أَوْلِيَانِكَ، الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ وَ أَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ، وَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ، وَ طَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً، اللَّهُمَّ انصُرْ وَ انتصرْ لِدِينِكَ، وَ انصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَ أَوْلِيَاءَهُ وَ شِيعَتَهُ وَ أَنْصَارَهُ، وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ. اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَ ظَاغٍ، وَ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ وَ اخْفِظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ احْرُسْهُ وَ امْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ وَ اخْفِظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَ آلَ رَسُولِكَ وَ أَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَ أَطْهِّرْهُ مِنَ الْبَغْيِ وَ انصُرْ نَاصِرِيهِ وَ اخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَ اقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ اقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُتَافِقِينَ وَ جَمِيعَ الْمُلْجِدِينَ حَيْثُ كَانُوا وَ أَيْنَ كَانُوا مِنْ مَسَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا وَ امْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ أَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ السَّلَامُ وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَغْوَانِهِ وَ أَتْبَاعِهِ وَ شِيعَتِهِ وَ أَرْبِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُرُونَ وَ فِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ. (همو: دعای امام حسن عسکری (ع))

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَ وَلِيِّكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ صَلَاةً تَامَّةً نَامِيَةً بَاقِيَةً تُعْجِلُ بِهَا فَرَجَهُ وَ تَنْصُرُهُ بِهَا وَ تَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»، «اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَ الْعَدْلِ الْمُنتَظَرِ ... اسْتَخْلِفْهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الْأَئِمَّةَ مِنْ قَبْلِهِ مَكِّنْ لَهُ دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ أَيْدِيَهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا ... وَ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا وَ اجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا ...»، «اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعْزِيهَا الْإِسْلَامُ وَ أَهْلُهُ وَ تُذِلُّ بِهَا الْبَغْيَ وَ أَهْلَهُ وَ ...» (همو: دعای افتتاح)

موارد بالا و موارد دیگری از این دست، یک به یک باید در دستورالعمل مدرسان و مربیان و فراگیران تربیت زمینه‌ساز قرار گرفته، مو به مو اجرا گردند و به مفاد آن‌ها عمل شود تا نسلی متناسب با عصر ظهور پدید آید و هنگامه ظهور سعادت‌آفرین مهدوی فرا رسد.

۱۰. باور راسخ به اراده و مشیت الهی؛ تربیت زمینه‌ساز به انتخاب الهی

پایان بخش و بسیار تعیین کننده و با اهمیت این که حکومت جهانی امام زمان علیه السلام به مثابه حاکمیت الهی در همه عرصه‌ها و ساحت‌های زندگی این جهانی و آن جهانی بشری است. قلمرو تربیت زمینه‌ساز نیز باید دست‌کم بخش وسیعی از این عرصه‌ها و ساحت‌ها را پوشش دهد. ما بر این باوریم که هرچند بسیاری از امکانات و لوازم تربیت زمینه‌ساز در اختیار مربیان و متربیان قرار دارد، اما تجلی روح و مفاد و حقیقت تربیت زمینه‌ساز هرگز با معیارهای انسانی قابل درک و سنجش و ارزیابی نیست. از این رو، تحقیق و تحصیل آن در چارچوب خواست و تأمل و طرح و برنامه انسانی نمی‌گنجد. سرآمدن انتظار و فرا رسیدن هنگامه ظهور و تحقق امور و جریان‌های وابسته به آن، همچون سایر سنن الهی از اول هم بنا نبوده در اختیار بشر قرار گیرد، بلکه از اساس مربوط به اراده و مشیت خداوندی است؛ اراده و مشیتی که ذهن بشر از درک آن کوتاه و ناتوان است. اموری چون امدادهای الهی و عنایات و الطاف ویژه خداوندی، همچنین جریان‌هایی که جز به قدرت یا کرامت و اعجاز الهی پدیدار نمی‌شوند، همه از جمله مواردی است که هیچ عامل انسانی یا طبیعی را یارای پرداختن به آن‌ها نیست.

در مجموع، یک سلسله از افعال و اعمالی که مستقیماً به خود خداوند نسبت داده شده است، همه از حد و توان درک و فهم و توانایی بشر خارج است. این که وقت ظهور کی و چگونه خواهد بود، این که یاران حقیقی امام زمان علیه السلام و تربیت‌یافتگان عصر ظهور چه تعداد و چه کسانی خواهند بود و این که حضرت ولی عصر علیه السلام به چه سبکی جهان را اداره خواهد فرمود و چگونه احکام و قوانین الهی را در گستره جهانی اش اجرا خواهد کرد، همه از جمله امور و برنامه‌هایی است که از ساحت و قلمرو درک و توانمندی انسانی فراتر است. این که خداوند هرگاه مشیتش تعلق گیرد ظهور تحقق می‌یابد، این که خداوند زمین را پربرکت می‌گرداند، این که نیروی هر انسان مؤمن پرهیزکار با نیروی چهل نفر یا بیشتر برابری کند، این که عقل و درک معرفت بشر بسیار بالا خواهد رفت، این که ۲۵ رشته علمی باقی مانده از ۲۷ رشته به اراده و اذن خداوند به دست مبارک امام زمان علیه السلام رمزگشایی خواهد شد، این که بسیاری از راز و رمزهای عالم به تدبیر و خلاقیت ایشان آشکار خواهد شد و... همه بیان‌گر شگفتی‌هایی است

که عقل بشر عادی به آن نمی‌رسد و ذهن قاصر انسانی از احاطه بر آن عاجز و درمانده است. تجلی آثار و مظاهر تربیت زمینه‌ساز نیز از جمله اموری است که مشیت الهی در آن تأثیر دارد؛ زیرا مشیت الهی نه تنها پایان بخش سلسله اسباب و عوامل تربیت زمینه‌ساز است، بلکه همچون روح در کالبد همه آن‌ها سریان و جریان دارد. سنت الهی سبب و مسبب^۱ همه امور عالم را بر مدار توحید و ولایت الهی مستقر می‌سازد، به گونه‌ای که هیچ امری پدید نمی‌آید، مگر بسته به اسباب و عواملی که آن اسباب و عوامل به جای خود به اراده الهی و اذن و مشیت خداوندی سامان می‌یابند و سامان بخش امور مترتب بر خود هستند. از منظر توحیدی، این حقیقت بدین معناست که همه امور تنها و تنها به خواست و اراده خداوند ایجاد می‌شوند و جریان می‌یابند. از آن گذشته، حتی کوچک‌ترین تغییری در گوشه‌ای از جهان رخ نمی‌دهد، مگر به مشیت و اذن الهی. این سنت حتمی و قانون خدشه‌ناپذیر به نوبه خود مشتمل بر نکات بسیار دقیق و ظریفی است که درک و فهم آن‌ها در تربیت روح و روان متفکران و خردمندان بسیار مؤثر است. به گزاره‌های زیر توجه فرمایید:

- خداوند در تمامی صحنه‌های عالم حضور فعال و با اراده دارد.
 - افعال خداوند اصول مند و قانون مند است.
 - خداوند بر همه اسباب و عوامل اشراف و نظارت دارد.
 - خداوند سلسله اسباب را با حکمت بالغه خویش تدبیر می‌کند.
 - خداوند هر سببی را متناسب با پیامدش به کار می‌بندد.
 - خداوند هرگز از تدبیر و اداره امور و اسباب آن‌ها غافل و عاجز نبوده و نخواهد بود.
- این‌ها همه از جمله اموری است که نه تنها روح ایمان به خدا و توکل بر ذات اقدس او را در جسم و جان و روح و روان انسان می‌دمد و در برابر بحران‌ها و حوادث سهمگین به وی نوید و صیانت می‌بخشد، بلکه او را در برابر غرور و خودپسندی و خودپرستی قرنطینه و ضربه‌ناپذیر می‌سازد. کسانی هستند که از روی تکبر و غرور، خود را همه‌کاره می‌دانند و برای خداوند هیچ نقش و ارزش وجودی قائل نیستند؛ این افراد خیال می‌کنند کیستند که این همه غرور دارند و جاه طلبند؟

به هر حال، انسان تربیت یافته برای عصر ظهور همواره خود را در محضر الهی و تحت اشراف و نظارت و اراده و تدبیر او می‌بیند و آنی حتی یک چشم به هم زدنی از یاد او غافل

۱. اشاره به سنت الهی «أبی الله أن یجری الأمور الا بأسبابها». (مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۲، ۹۰، ح ۱۴ و ۱۵، ۱۶۸، ح ۱)

نمی ماند. وی وجود و دارایی و هستی اش را عین الربط به خداوند می داند و هرگز نه برای خود، که برای هیچ کس و هیچ موجودی استقلال وجودی قائل نیست. باورهای ایمانی و روحیه ربانی و توان جوارحی و جوانحی چنین شخصی مثال زدنی خواهد بود و وجود و رفتارش اسوه اهل ایمان و نسل منتظر قرار خواهد گرفت. او همواره با رعایت حق التقوی و با استعانت از خدا و توسل به اولیای الهی، در راه آن ذوالجلال و الإکرام بی وقفه تلاش می کند و خویشتن را به خدا وامی گذارد و ثمرات و نتایج مترتب بر حق الجهد را از درگاه الهی مسئلت می نماید.

نتیجه

نسل هایی که برای امام زمان علیه السلام و تحقق اهداف متعالی و منویات عالیۀ ایشان خود را تربیت کرده اند، مجاهدان پاکبازی هستند که در هر دو عرصۀ پیکاری امان با کفر و نفاق بیرونی و درونی مدال پرافتخار جهاد اصغر و جهاد اکبر را بر گردن خود آویزان کرده اند. اینان مشمول عنایات الهی و الطاف حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام قرار گرفته اند و قطعاً ادعیه زاکیه آن بزرگواران شامل حالشان بوده است. آنان خود خواسته اند که چنین باشند و آرزو کرده اند که چنان گردند، خداوند نیز از توجه به آنان هرگز غافل نمانده است و الطاف بی کران خود و اولیای خویش را بر سر و روی آنان بارانده است. اینان کسانی هستند که خداوند نه تنها یک مرتبه، بلکه هر روز و نه تنها هر روز یک نوبت، بلکه روزی هفتاد مرتبه به آنان می نگرد و به وجودشان پیش روی ملائکه مباهات می ورزد.^۱

نسل عصر ظهور در شایستگی های روحی و معنوی و روحانی یادآور یاران شیدا و باوفای جد بزرگوار امام زمان علیه السلام حضرت سیدالشهدا علیه السلام هستند. اینان هرگز و در هیچ شرایطی از راهی که برگزیده اند باز نمی گردند و از حقیقتی که به آن پیوسته اند انحراف نمی یابند. در مسیر حق هیچ سرزنش و ملامتی آنان را سست نمی سازد و از هیچ عاملی کمترین هراسی به دل راه نمی دهند. اینان پایداری و استواری را درس داده اند و با قامت رسای خود همچنان پویا و پرتحرک در انجام رسالت الهی خود از هیچ تلاشی دریغ نمی ورزند. اینان همچون کوهی راسخ و پابرجا هستند که در برابر تندبادهای ویران گر و از جای برکن هرگز حرکت و تزلزلی نخواهند داشت. اینان همچون ابرهای پرباد و متراکمی هستند که بر سرزمین های تفتیده و خشکیده می بارند و همه جا را خرم و سرسبز می سازند. اینان به سان چشمه ساران جوشان و خروشان هستند که

۱. «أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً وَأَكْلِمُهُمْ كُلَّمَا نَظَرْتُ إِلَيْهِمْ.» (مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۷۴، ۲۳)

کام‌های تفتیده و تشنه خلایق را از زلال آب گوارای معرفت سیراب می‌گردانند. اینان کسانی هستند که جمجمه‌های خویش را به خداوند سپرده‌اند و در سر خویش هوایی جز هوای وصال او ندارند و به کسی جز او نمی‌اندیشند.^۱ اوصاف و ویژگی‌های پرهیزکاران در زبان امیرمؤمنان علیه السلام^۲ در توصیف اینان به کار می‌آید و تعریف و تمجید قرآن و اهل البیت علیهم السلام از مؤمنان حقیقی در وجود اینان مصداق می‌یابد. جهان به یمن قدوم اینان آفریده شده است و انسانیت به گل وجود ایشان شرافت و کرامت یافته است و فرشتگان با زیارت اینان در درگاه خداوندی نسبت به پرسشی که در بدو آفرینش انسان کرده‌اند مجاب و قانع گشته‌اند.^۳

اگر چنین تربیت‌یافتگان زمینه‌سازی نمی‌بودند، ظهور و فرجی در میان نمی‌بود و ورقی به زمین و زمان و عالم امکان نمی‌خورد. اینان هستند که یک نفرشان برابر یک ملت است و از عهده اداره یک ملت به خوبی و شایستگی تمام برمی‌آید. بنا نبوده و نیست که حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام از راه اعجاز و کرامت جهان را اداره کنند. آن‌چه مقدر الهی است این است که جهان با امامت امام زمان علیه السلام به طور متعارف و با همراهی و کمک یاران باوفای ایشان اداره شود. تعداد اندک این یاران هرگز موجب نمی‌شود اکثریت جهان بر آنان مستولی شوند و عرصه را برایشان تنگ کنند. هنگامی که کارگزاران حضرت در جنبه‌های گوناگون اداره جهان خود ساخته و خود پرداخته باشند، آحاد فراوانی را به تحرک و پویایی وامی‌دارند. گفته شده است: «الناس علی دین ملوکهم» (مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۱۰، ۷) انسان‌ها نوعاً پیرو دین و کیش پادشاهان و بزرگان خود رفتار می‌کنند. پس بسته به این‌که خلق و خو و رفتار و رویه بزرگان نشان چگونه باشد، مردم به تنظیم رفتار و رویه و خلق و خوی خود می‌پردازند. خوبی، هرچه باشد از انسان‌های والامقام دارای شأن ویژه که سرزند خوب‌تر و شایسته‌تر است. بدی نیز هرچه باشد از انسان‌های والامقام صاحب مکانت خاص که سرزند بدتر و ناشایسته‌تر است.

امام صادق علیه السلام برای شیعیان خویش به حکم شیعه جعفری بودن، مکانت و شرافت و جایگاه خاصی را منظور داشته‌اند که به موجب آن پیروان حضرتش لازم است بیش از همه

۱. «تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُلُ عَصَى عَلَى نَاجِذِكَ أَعْرِ اللَّهَ جُمُجْمَتَكَ تَدُ فِي الْأَرْضِ قَدَمَكَ ... وَاعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ؛ کوه‌ها از جا کنده می‌شوند، اما تو استوار بمان. دندان‌هایت را بر هم بفشار و جمجمه‌ات را به خدا بسپار و گام خود بر زمین می‌خکوب کن و بدان که پیروزی از جانب خداست.» (شریف رضی، ۱۴۱۵: خ ۱۱، از سفارش‌های حضرت علی علیه السلام به فرزند خود محمد بن حنفیه هنگامی که پرچم سپاه را در جنگ با اصحاب جمل به وی می‌سپرد)

۲. اشاره به اوصاف متقین در خطبه مشهور به خطبه همام. (همو: خ ۱۹۳)

۳. اشاره به پرسش فرشتگان از خداوند درباره آفرینش انسان: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۳۰).

مراقب حرمت و شأنیت امام و رهبرشان باشند.^۱ این جایگاه از جمله عوامل ایجاد شأنیت و شخصیت است که به مفاد آن صاحب جایگاه باید بکوشد مبادا بر خلاف شأن و جایگاه ویژه‌ای که از جهت انتسابش به امام دارا گردیده است اسباب بی حرمتی و بی اعتباری خود و امامش را فراهم سازد. تربیت زمینه‌ساز ایجاب می‌کند رهروان تربیت یافته هرگز از حکم و مرام و منش ائمه هدی علیهم‌السلام - به ویژه امام زمان علیه‌السلام - تخطی نورزند و همگام و ملازم با ایشان حرکت کنند و هیچ‌گاه نه بر آنان پیشی گیرند و نه از آنان عقب افتند.^۲

با این لحاظ، تربیت زمینه‌ساز نیازمند نهاد فراگیر و گسترده‌ای است که همچون یک دانشگاه عظیم و فاخر، با مدیریت منسجم و یک پارچه و انسجام بخش در همه ساحت‌های فوق بر تربیت زمینه‌ساز همت گمارد. چنان‌چه وجود چنین تشکل تربیتی میسر نباشد، گزینه بعدی این است که مراکز و نهادهای متعددی - البته در ارتباط و انسجام فکری و علمی با یکدیگر - از عهده تربیت زمینه‌ساز، هرکدام در یک یا چند ساحت ویژه برآیند. بدیهی است مفهوم این سخن این نیست که محصول تربیتی مراکز و نهادهای مزبور مستقیماً با عصر ظهور سرو کار می‌یابند و با زمان ظهور معاصرت خواهند داشت. چه بسا خدا می‌داند که نسل‌های متعددی یکی پس از دیگری بیایند و هر نسلی حدی از کمالات مربوط به حق التقوی را احراز نماید تا رفته‌رفته آن نسلی که به عصر ظهور می‌انجامد آمادگی‌های لازم را از هر جهت و از هر جنبه برای حضور در رکاب امام زمان علیه‌السلام و مجاهدت در جوار ایشان به دست آورد. هرچه باشد باید از هم‌اکنون شروع کرد. گرچه ندانیم عصر ظهور کی و چگونه و چه زمانی خواهد بود!

تربیت زمینه‌ساز در حقیقت زمینه‌های تحقق آن دسته از اهداف و آرمان‌های الهی را که بناست با سرآمدن دوران انتظار، به استناد و برکت ظهور حضرت ولی عصر علیه‌السلام و به دست مبارک ایشان به منصه ظهور برسد، فراهم می‌آورد. در این صورت اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر تمامی ادیان برتری خواهد یافت^۳ و مستضعفان وارث و فرمان‌روای زمین و زمان خواهند شد.^۱

۱. امام صادق علیه‌السلام به یکی از یارانش فرمود: «یا شقرانی! إن الحسن من كل أحد حسن، وإنه منك أحسن لمكانك منا، وإن القبيح من كل أحد قبيح وإنه منك أفح لمكانك منا.» (مجلسی، ۱۴۱۷: ج ۴۷، ۳۴۹ - ۳۵۰)

۲. در صلوات شعبانیه چنین آمده است: «المتقدم لهم مارق، والمتأخر عنهم زاهق، والأزم لهم لاحق».

۳. «يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِيمَ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ * هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۳۲ - ۳۳)

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ * إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ غَابِطِينَ» (انبیاء: ۱۰۵ - ۱۰۶)

قال الحسين علیه‌السلام: «مِنَّا اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًّا أُولَئِهِمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه‌السلام وَآخِرُهُمُ النَّاسِعُ مِنْ وَلَدِي وَهُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ يُخَيِّي اللَّهُ تَعَالَى بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَيُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.» (صدوق، ۱۳۹۶ -

با ظهور حضرت، فتنه‌ها و فتنه‌گران از روی زمین برچیده خواهند شد و انحرافات اخلاقی و سیاسی و اعتقادی رنگ خواهند باخت و منحرفان یا هدایت خواهند شد و یا به هلاکت خواهند رسید. این جاست که به اراده و امداد الهی خورشید عصر طلایی اسلام از افق ولایت و عدالت مهدوی طلوع خواهد کرد و روشنایی و فروغ جاودانه‌اش همه آفاق را درخواهد نوردد.

الف: ج ۱، ۶۸، ح ۳۶)

۱. «إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸)

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور: ۵۵)

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص: ۵)

منابع

- ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی، *تذکرة خواص الامة فی خصائص الائمة*، تهران، مكتبة النینوی الحديثة، بی تا.
- ابن حماد، ابو عبدالله نعیم، *الفتن*، تحقیق: مجدی بن منصور بن سید الشوری، بیروت، دار الكتب العلمية، ۱۹۹۷ م.
- ابن طاووس، رضی الدین ابی القاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد، *جمال الأسبوع لکمال العمل المشروع*، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۶۱ ش.
- امینی (علامه)، عبدالحسین، *الغدير*، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۹۸ ق.
- جوادى آملی، عبدالله، *امام مهدی؛ موجود موعود*، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۹۰ ش.
- حاکم حسکانی، عبيدالله بن عبدالله، *شواهد التنزيل لقواعد التفصيل فی الآيات النازلة فی اهل البيت*، تهران، مؤسسه چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامي، ۱۳۶۹ ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة*، تحقیق: مؤسسه آل البيت، قم، انتشارات مهر، ۱۴۱۴ ق.
- راوندی، قطب الدین، *الخرائج والجرائج*، قم، مؤسسه امام مهدی عليه السلام، ۱۴۰۹ ق.
- سبحانی، جعفر، *فروع ولایت*، قم، مؤسسه امام صادق عليه السلام، ۱۳۷۴ ش.
- شریف رضی، محمد بن حسین بن موسی، *نهج البلاغه*، تحقیق: صبحی صالح، بیروت، دار الأسوه، ۱۴۱۵ ق.
- صافی گلپایگانی، لطف الله، *منتخب الأثر فی الإمام الثاني عشر* عليه السلام، قم، نشر سپهر، ۱۴۲۱ ق.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه، *الخصال*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات جامعه مدرسين حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲ ش.
- _____، *عيون أخبار الرضا* عليه السلام، ترجمه: عبدالحسین رضایی و محمد باقر ساعدی، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات اسلاميه، ۱۳۹۶ ق - الف.
- _____، *کمال الدین و تمام النعمة*، تهران، انتشارات اسلاميه، ۱۳۹۶ ق - ب.
- طاهری، حبیب الله، *سیمای آفتاب*، قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۰ ش.
- طبرسی نوری، حسین، *النجم الثاقب فی احوال الإمام الحجة الغائب* عليه السلام، بیروت، دار القول الثابت، ۱۴۱۵ ق.

- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق و تعلیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۹۰ق.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن بن علی، *مصباح المتجهد و سلاح المتعبد*، تهران، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۸ق.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۰ش.
- عسکری، ابی هلال حسن بن عبدالله، *معجم الفروق اللغویة الحاوی لکتاب ابی هلال العسکری و جزاء من کتاب السید نورالدین الجزائری*، تحقیق: بیت الله بیات زنجانی، قم، جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۹ش.
- غزالی، محمد بن محمد، *احیاء علوم الدین*، بیروت، دارالهادی، بی تا.
- قمی، عباس، *مفاتیح الجنان*، بی جا، بی نا، بی تا.
- کلینی، ابی جعفر محمد بن علی یعقوب بن اسحاق، *الکافی*، تصحیح: علی اکبر غفاری، بیروت، دار صعب - دارالعارف، ۱۴۰۱ق.
- لاریجانی، محمد جواد، *کاوش های نظری در سیاست خارجی*، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴ش.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۴۱۷ق.
- مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
- مفید، عبدالله محمد بن نعمان، *الإختصاص*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ق.
- مقرئ دانی، ابو عمرو عثمان بن سعید، *السنن الواردة فی الفتن و غوائلها و الساعة و أشراتها*، تحقیق: رضا الله المبارکفوری، ریاض، دار العاصمة، ۲۰۰۸م.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *الغیبة*، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ق.

پایگاه های خبری و اطلاع رسانی

- پایگاه اطلاع رسانی حوزه: hazah.net
- پایگاه خبری آینده روشن: fnews.ir
- شیعه آنلاین: Shie-online
- ستاد زیارت وزارت علوم و تحقیقات و فناوری: zaaer.ir

- مرکز جهانی اطلاع رسانی آل البيت عليه السلام: Aalulbayt.org , al-shia.org
- ویکی پدیا: fa.wikipedia.org
- همشهری آنلاین: Hamshahrionline

